

بصيرت وسكمت كا المول فزار المحافظ في الموافزان

المستحدة المريدة المحافظة المستحدة المريدة المحافظة المستحددة الم

والتي وروميان نظر آنا - واله بهي الله كو روساني

- CL1818 L C 2 28

- Longin Locie

 المنافعة ال

الله المنافعة المناف

مهنب شدن : اعتمید - ایم این از اعتمید تألید استیان او

الآث الآث المرافز الآثر المرافز المرا

ر کام ال پیشاری و برد شاده احاره معلق جاست شنخ خارای

ئىلىدىن چىك ئەرگىدىن ئومىنىدىن

WASH SYRIA

JOS (AITABHAN)

حكايات كشف المجوب

مرت دای کی بخش دارد الد طلیان کران برالس بن می بنا فون بنای الغز فری ب أب ٢٠٠٠ بري مي طواني سا موسة معزت وأما ماسيا الكواد المروضان ك المترات فرن ك عاد الروال مي خارم ما فقار كالادران و فا كا داري ما ميسين جوم الدواب مي جام لديقا لذا الى راب السيار اليك مرالال كالقر يرو تالدميل عي كما ما يد أنها ريت المكال مد مد الم الله و ك الإ الله بالا جانية عدك دومال ميرات أب كم مالد والدواد وامان

مراست موق مي الع بي مرجعة ميدان مي . المركان يوسعان دوق ادر شق ماوت مقالك ونا راستن ادونا ع ولد ميت شب بداري وكروكر اوروقات مي مشقل وهومت دي اكب تصل

المدوران ك يدكن فريدموات يدك عمدان المقادر الى الدون فيان كذا يون وينان ودين الدان الدائل عدا كويت وكان الديم الم متاركان علات كالمدنفة ادمانا كالرم كالمنفي عاكمتاب فأكاله الاحداء المسالة دموفيك فدست في مامز بوسة المدال ملد جذب في مزت الا الفتى تدين حق والأطب عرب في ال كالماد مي الماد مي الماده مي الماده مي كالانتجاب عاقب والمراد والمراب والمرابع والمرابع والمرابع

いいかいいかいいいいとい أتهاب وهاك مال كالدمن بالمرفاب والارتوب الداكر برامات ك معدت مع الدرطي الدراوسد جرري فصادرات كالدكار بدا بروان النابي المين المواسام كالوان كالمائي كالفيت كشت الجرب كرمان سے آپ کی سب والاشانیت کو تا ماہدے ۔ مہان مریانی ادین کا سب ایستاد کا امریا گرف مالونکا ت کا کہا ایستان کو انسرب در ماہد کردوں فریادہ مساو ول بيال ميان بيران بير جريد أيد كاختيف كفت الجرب القرت اسلام كي خرم ترين فاظ かんかいこれいいりにはのなっからいいかしこといいい مرشد وان ك بلكشت الرب وشب المشت الجرب ك الدوي بيل فالمرتاع يبطيف المروى يماس كارتبر يعضر كلن سفاكا ولي والاس كارت

ميها يك سان المد فاوس الدين والدياب المراب الدي المراب المردة ويورك عيار سال في عالمان على الريورة والموس محخ كخض خين مالم عمران وخدا

عتدال ما يركال كالمال ما يجا كان والمال المعاون كام الله المناه الماليك وله يعالما است درج بي راك معال مي وميدين وريها راك المواري الاراك ومها المعالمة はんなり、上にいていくのかったっといし、ころいんしかんと فيات كالريادة تا ووج جرى الريكات كرجيد التي كم منا ق أب كامنات

- Wolle No Lapricapio

كشف الجرب لا يلالب الباب هرك بدع مي بدعة مزت وقا ماحب عرى مندات كالايراك الدحن السيدوم الدائد عدد الى مديث مقد سكاول عابت كستاير عابات ي كرا ب مديده ب عدود و ك امكار كشر

chione contilloros white price one مردىد من الريت عمل بدانا في كالدين عي يال يك اس كي كرالله قال اليده اليده كالموت والأب والدي كرم مل الدُّولليد علم ف اليمه بدائن طرعه بأه والى بصادر فرا ابت المدندا إلى

الصطبت بالماكمام ن والى رسال خريرا الاسطاعي موت والمام الرائد في المواد عدم مل لي الما الكالم الرودت بعد كوائد معتدم ودكوش من الأعليد الركاد شاه بعد كور علومات This had so sign of his and singer is to also

المعدد المست على مد الكريم الكاست الدالة الله على المراح المرات Specifical de visjon of land it will على بونتيات ويضى ادريك دومرا أروي بعدوعل كرام برافتل ما ناب المان الدان كديد كور الدور كرام كالإلى كالمق مستدين ادر الله ای وقت علی کدا کہت جب دو علم کے ساختہ راد مو اکر اسان انڈ کا マックはいこうしんかんこうしんいいいとりかん اسان الحراب كالدان المردوقان وامنى وكن شال كالورد بالفاك شناخت كاعلم سوخت قبر كاعلم أكينيت فيت كانكم الدائكان ذا وكاعلم لقاميكمسان اوركا عروي فالكيد اواجر كارت الداوي الكالمعالى ك عديد والم ال يعلن والمد والمراج المراج المراج والما والما الما والمراج in his fit of and a well of the plant in the wind in the grain والأسب ال يداريك والكام والمداشة والموادر العام والكامر としまれる 山上でふかんかいいとかんけいとってい المشق الاسكان عدد بوقوده فلما فأساك المستح من الوافر الاست المالا hours how as a property Lune Albert Al

الحكادة المكالك عادون واستراد وادرام المرا المخ وتبدء ما كم البرع من المل مواد من م كا ادر الدو البنا عب بروي ومن او م عدا كار دو و الرا ي در بالا عداد دى على كامية عدا كاهديد بالأكار كومين بالى يري كذي كرا فرك ニックトアンけんかんこんいんとのからかっこっかんかい ب مالكريدول فلويان.

الإادالال المراحة كادانات المراجة المان والمالا اس اب ميدود مايس بان وان بررك حزب ايا يم ادم ريت الأطري راه تق مين هدوليش كامرتبه

رقا ما میشند نیخ دوروش کندید و پدایداد اثار شد که این دخاره کیارید فراه دی این اعتران که بده براه خاری مدک کندی با دخاره بین کار داداری مین زارگری می این از میداد اداری که دیداد داداری می افزار خوار که این دورش و این که براید مرسد مجاران کورسدار میداد با در نیخه موران براید کند شده از چربه مربان می افزار انتقاع و در

مودود آل معرب الامل بره الخرك بجائز و بالدين بالدين بما فردود بيدا مودود الدين بودود الخرك المودود و دودود الواسال المودود المودود المودود المودود المودود المودود المودود المودود حض بداره الدين المودود الم

؟ برسه برای در شدهان کے تعمیل این کارونای بوشنده افغاندند انجام مین برقیب بد. رسان در مناصر مسترحه تا حاصر بدند این متالید بنی برداری بدند. اینکه در میزانی کام اوران است مثالث بردی او دانشاند کماند کو سنده بازگاری دید. عمیداری کام برای که فارسته کو منز دانگذار در این کی سازی بردار و دا .

جي اين عالمان لا الرساد في موان الله الموان به يا الموان الله الموان الله الموان الله الموان الله الموان الموا والمؤلف الموان ا

اذا الآن کی فرق این میدند کدوه پسته امداد این کارگذارید بین باشداند. این مادار این می میشود کشده بین بازی که اداره این میدند کاره بین او این می است هم بین بازی می است هم این میدند و این می می است نواند بین برای این کار کشور این می میشود که این می میشود که میشود که این می میشود که این می می می میشود بین این می میشود کشور این می میشود که و این می میشود که این می میشود که این می میشود که این می میشود

به گیرسان بای دون برا در برا خیرکار. این سک درگرخاک فتر برهنده الل سع اخرکرخان در شیدشده اللب در در دار کارسیان شدگی که مهما آل این کرد برید ایسان میداند. دوند و یک این شدن برای برای از سکر کهید دو احزیت میذر بندا داد دوند ایشان

خرب نے کہ کہ و مؤتم منے دوران امن سے ہے۔ چو جام او بھا جو دائی مال سے کر دائش کے بیش کر چھ ۔ حوزت ادام و دورون الڈ مورٹ چڑ دائٹ اللہ اسے آشارک وکھا آت اس رکھانات انتشاف مثل بھائشن کا بھٹ کا تھا وجب تم بند ہم ہر

البالميان شدة المائم عن أي دار خدم المائم عن المراق المساحة المائم المراق المراق المراق المراق المراق المراق ا المحاسب من المراق المراقب المراق المر

الا است که موقع که این که این که این سیستین شود نامی کان اخراد این کان کان می این این کان کان می این کان کان م این که دست بسد برای می که سازه که این می که این می کان می که که این می که این که می که این که این که می که این این که بیدا کمیسی می که این می که که این که این که این که این که می که این که این که این که این که این که این موقع بیدا کمیسی می که این ک

ا میرو چراپ بنی به تی بیدا کند اگلید واقده اینده او طرح کیا کا داخوان کا تکافید مین دونوان و کیکر و این میزاد جیک این میده جای کا که کام سک بدانسد با بر گفته مین دوندگاری چراپ که که دوران سه بندگاری و میداند سال کار و معاون کا کا چی دیدگرون کا گئیز کارسد میزاد چراپ در شدن کرانش و شیر شدند چیا وه کان اسا و مدارات سده ا

میرث سدّ به با بدوره و ده درا و داسته ادران کم عدمیان کامیت . دی میرو طرحان ما می درگیا اور ای در است که است کمانی گاد. میر کم سنت می کمیدر ایرونکیت و کامید میران میرود نیسان موافق بعد اداده ای چد موت میرود کامید میرود نیسان کمید برای میرود ایران میرود ایران میرود ایران میرود ایران میرود ایران میرود کرد

را المساورة الإنتاج المساورة المساورة

رون دائد الرائد ول محديد مورد المنظ والمن مرائد المناسك

ہلااصلیہ سے مارک احتمامیت اس مکونٹ کاران اصلیٹ نے تجزیر کرتے ہوئے تھا ہے کو جیت کے مشوعی مدوری کی بیسے اور حتی ہوگائی کے مخالست ہے جیکہ وارکستان خا اس مشام مجاریف کا میں بھر جائے ہیں کہ اواقائی میں اکشٹ خاجر کی جی کی کھونڈ فاج ان ایسے تھیر ہے جائے جو دوست کے ایسے میں اس کے مؤلن کے قاصر تھ

عدوده به ام الله الله بالدورة بيدا كال 10 مده المسارك بدو وي من المسارك بدو وي من المسارك بدو وي من المسارك بل بسيسية من المدين بالمسابك بي بسيسية من المدين بالمسابك بي بسيسية بدورة المرافعة المسارك بي بالدورة المواقعة المرافعة المسارك بيدا وي من المدين المواقعة المسارك بالمسابك المنطقة بالمسابك المسابك بالمسابك المسابك بالمسابك المسابك بالمسابك بالمسابك بالمسابك بيدا المسابك بالمسابك بالمسابك بيدا المسابك بالمسابك بالمسابك بيدا المسابك بيدا المسابك

سیان عیاد سرد و آن این این کاب نداد دو دکام اسک دو دکام اسک در افزانس کی اصابه مید ترکید وابد ادر اصل در وقی یک که این مده تحقیق بین این میران که بین می انتها بیشتر در که کار دارد کی که بین طرحت این میداد در این که کارس کابی این میران می تعقیق میداد در این که کارس کابی این می می میران در این کیست در میداد که این میران میران میداد در این که در ای

اس وفيد مقر عديد الديراليد

مونی کون ہے کشندہ کوہسکے باب نقوت می موزت وانا صادب اُسفامونی ک متبقت نہاک کرسلوجے و دواخلت والی سک خورج بڑل کے جہادد اینے ذالمہ نے ک

الاست تباطیعت به ما داختی داندگان که کام امادی اشتراند در مرداندی ایران داشتان به است ایران دانداند سه پروست می داندگان به در افزارشد شده مناسبات می دادیا به واضیعه سنگ ای که کار بر کار از ایران در است میزان که داندان و در ایران به در ایران ایران از در ایران شایدان به میزان که داندان و در ایران میزان ایران و در ایران میزان ایران و در ایران میزان ایران و در ایران میزان میزان میزان در ایران و در ایران میزان ایران و در ایران میزان میزان میزان و در ایران و در ایران میزان میزان میزان در ایران و در ایران میزان میزان در ایران و در ایران میزان میزان میزان در ایران و در ایران میزان میزان میزان در ایران میزان میزان در ایران میزان م

در مناسب با مناسب ب

بر سنة المسيدة خاصرة المؤون المؤونة خاطئ حوث الأنهاء كالمؤون المؤون المؤونة المؤونة المؤونة المؤونة المؤونة ال جن عن من المؤونة المؤو

که میدان عباد سال تا دوسیده کلید و ندید بیشه درشد شود این درشت کمید و این درشت کمید و این درشت کمید و این در ش در تا به در در این در شده که در میران وی رکمه سرید بیشت سد در داد آور چکه بی درگزیاری بستان متناوی و در این و شده می فردادی و این در شده این در در این در شده این در این بیشت این در

هم ساحة المراسة عادم طوال طبيرة كي يؤيد كم أكافريت وكلما الدائم أيها في المستقدات المراسة الم

د مت مندر شده المداون عبد المداون الم

در از جرایس بدر انتخار است را بدین ایران انتخاب است را برای از ایران برای با انتخاب است را برای برای به دیران است را برای با برای به دیران با برای با برای به دیران به دیرا

دوسون الاصف بيد برود ودرك بالا الاصف ما الدينان الدون من تركيم بيدا كان الشرق كديد حرث وأد ما صوبه أراب بيدين أو سيدنا الارتيم الواقع بيدا كان الشرق كديد حرث وأد ما صوبه أراب بيدنان المستدنا المواقع الواقع الواقع والإركام كراه من كرد دوان عادث كدون في المهامية مناوع بأول إلى يستدم الإركام الواقع كن مناف كدان كان المستدن بينان المواقع المستوين الميان

ما قال کے دولاء موران بند سے مرک دار کو شاق نے ویاں سے موقد موالے میں ا عمار ما موران کا افران سوش اور در اوال سے دھائی سے انتہا ہوا

اے مامت ایسے چھوا ؟ وورکاری میں نے اوالی مثالات پر ایسان کے ماقد کیا گا۔ آئیٹ نے والا مورکاری میارٹ انجا کا رسیدی برکٹر میرٹ کے بھے معیدت مثالات اوالی میں دارات اورکاری میں ایسان کا واقع کے انجاز کا اورکارٹ میں کا ایسان کا انگار کرنے کیا گیا۔ معیدت مامت نے والا کا واقع کے واقعت این اوال کا ان کا انگار کرنے کہا گیا۔

اس کاملا مت بریدند کار نیز دسوا امواندی استان میش موسد انزای سد میاد برین کرد. درند سد درواز میشد بد و فرقا می سید دارسد دارسی که بیداد دریاس دادمدی که بدارس واقعی کرد ارد میری دارسی برگ بدید کرد برداری این اور دود خون کامورد بیداد دارس ادر بیش کردندی می دهاست که ساز میروا بین اور دود خون که دواندی

ئے دورسے کے مائڈ اورے دیسے دکھتا ہوئا۔ اس برصور مدتر مالم من انڈیلا پرخسے وزایا است مارٹ افرانے میان نیا ہے۔ اب اس برکانا برخاکا کیا ہے تین موٹر وزایا اسکارٹ اوران اوران کا میں اوران

گرژی اولیا دالله کی دینت

حرشانات مسية مواقد بي كرانگاري إلا واكيرسه بيشنا حوار كرم كاشا. بت الدكتري بيشاكنت سبت موركرم من الأعلارة موسد كامل مي تشا

در الاولان میداند. در اگر کار کردان سد خرند و ایک جی را س ادا هد دعو مدند این از حدد مرد مدند این بیشد ادارات در از اگر کار در این در دو ایک جی را سرای با در این میداند این میداند. و در ایک شده در این از دادن از دو ایک با در سرای کار این ایک و در این کار این که در این که در این که در این ک

هی دادند که دریان دیا با بیده که همه نده او برگزشت و خدم که این که دریان با دریان که از نظری این دود از که دریان که نیستان بیدی بی دود برای بیدی بیدی به دریان که بیدی بیدی در دری در برد دریان که بیدی بیدی و بیدی برد که و بیدی بیدی و این بیدی بیدی دریان بیدی بیدی بیدی بیدی بیدی بیدی ب

۱۹ بردیند خاولای ۱۹ بردی و بردارس برد زی و تونیده شدی، دلاک شده بردشکارات ۱۵ بردا که سامند که کامل انوات شودگار اثباکس و زیابشی مردی کسامتی کشوی

۱۱ م آومند کے زیاد ۱۱ اعلیٰ نے شامت کرکے مواد تاما طمانی ہے کہا کہ م مہدات انڈولل کا مداست مراحت میں طمالیہ جو جیانہ مجموعیا این خاندگا، معرف داکھ مادر میں انداز ہی اس کے اور انداز کا معرفیات معرفیات معرفیات معرفیات معرفیات معرفیات معرفیات کے اور ا

نه کمانش باریای از این است می این با که این به ا این به این در سیده این به این است به این است به این به مهم به به در آن این این به این

گرڈی موفول کیلیے فیام ہی وفاہے اس مون موجوعیت ما معاصیات بنا ستا ما اواقام آل کا فی و تعطیع مصلی عقامت کا مال باز کرتے ہے کھا ہے کہ طوک میں میں خان سے

ستندارگا و در فرن کسید که کارگزافتی و وزن بست و فرنگ بیده و اداره احزار ساونیا: برای و ارزو فر و در دانی کسیده این این مان موسند کم بها م واژ در باخی باید بازگذافتی به به که این مان مسال کسید در داند این کرد و در کار بیان ساخیدارد. ادارگرد به بازگزاری میگران مشکلست دارگذافتی کرد و در کار بیان ساخیدارد. مين استنار كمالت مي م آليت ادر در دفي اس مال مي اسف ابس آريار いいくらいっといかいいんいこうないはんかんかん مرت يوق عد ميكنت استاحال كاحتافت كم يلوث عرت فيغ توري خفيف الف مين سلا كاستان منت الث بناءه و مرسال باسط wo we will it is the or of working وكرا الا المثل وليقت ومقيقت بيت كالحال بريطة في الدكي كالدي منس بين تعدد الله عن المنت الدين عن كالرالد والدان وكان

الرا أتركات أرامون فراء كالرى ينفذك طرط برست كالحراق ذكر فالمهت عده سنيد لياس ك الكريش الداس لاس كاستان بيدين كرسكتي

ساولوشي الب علم ك دعوار الكن سادايات ووافي سعاديا ، • در الداره داس كورس دكايت أ

صرفي شفيجاب وإعرص الأعلى الأعيدونم سفين عيوي عيوان ي المب على وورا عراد تعرى قرار عمار او شامون سفيكون كاس كا فعل عدر استمال كيار على على استادكها على السنة وعند الدينيين على محدود مكار غز كم عزد سنة باليكن اكت ووت والدك معمل كا وديد بالعارس العان تبال عيتن بساه إن المالية كاست

حزت وقتش كاحكايت

معزت وفتق دهة الأعلي أكيدود الجا وسكان محذمي ست كأدُ دبي ال كرامنين بالمرافرون مرال المد مان ك دران مديد وسك وي ادر إل الك مترة تادير فيداكي موست إن كابر في سدكراك ومؤن سفيال با ادرمب بال بلا شه ماسك كا فرعت ويكن قراص كسمن وال يرفزيت موسك اورودوان بدويما ويزال بدالم بدائم كالما وهاة مويتدوش وكا اعطعراي إن الكي كمن يف كي بال أا تا ادتاب المرت وحدد إن المديد كالمرامل من المرت وحدد المديدة

دامر كالأعداد من أعامات المام والمام والمام حرت رفتال ول ك المتن الروم كركم ك المديك اود وي عالان الله ولك البيد عدمات امر منا وواحض حام بس الكار يو كان أَنْهَا لَا اور عده لا من من ويار مات من اور حزت وتعلى قاد فرعا في عبد فنان ي ودوكرف ك أو احتوار ف أوروى مرى الشاي وق وال

うとかかかりなりないと حزية ومن في الما منيب عدا الاستدار عدمة وليفاك المرااس مزرة الحادم بالاسكاس مزاع الدرق عصاحت كالماس ادر تدارست كارى أول بدراب الرق دورى مرتم جاستان とければいりととういうかいといいというという المكان مناورات كم المال الداديات كالمكان الماليات

ير عان عديا في والفي وموزك ليد عامة بالمعيدي الداكات 1 Done - moto a since della por - titu おとてこのいかいろいまりいかしんとうでんこうという。 しん Life golfge prostrolly of by Lin. المينوس كافرب يرغد فاستاد دي يردونا والالداف كالش بالواد فرانس في البيد تني يركي والروه والبيت كالمجتاب. مراول البيفات وك الله ين الإجامة في عد الماد كا وأن كو منا في جوت جد الماد و كما كما الد

からこんというりゃくいんなっといんといんといんとい مرطن است است الم علان التادي الله كان كان كان كالساء بمث مدا 14-127 Secret Tibing Liplanes Vi Barrow old دارد دردد دینت کے اس مرد فز کے ایم کا فرد اگر و بقام فاق سام الما تين المتر من ورمست براكا تي ابت عضاكا مادي جرة بيسي كرمال كم ليم ورك المين وجدو من كم ليداورا من مي كو كد اور سي ليدى and de with the man has been been to with it

و سعاد مد کافاور و دون کے داکھونا ف کے ایک والی د りいんからりないとしてきこうんにからん الى يودة الدرات وي لدراك شال ف النين بعد والماسع م والأسان الديك عديث بي فتى كاب كرموت مين كاري وكان الحيد الديك inition of the contraction of the Landing دب ي ديدان كالديد بريد ند الدوخال تاليد فيون لا ، معرت مع طياسهم إيدافارات كالثرات كيدودفنان مي إحزت

ي عياسلام في والما ومرساطوا دويتان كالارى كوكدم جندى فاتان ماستد اما ت كرونت الإيضاء الد اللائد مرب مروك اورافيك بدا الب الد حزت دانا ما حب واتع بن كري نے افرائتر دوس ايا) جي اي

Worker wie thorn wherein he hater الديوم الماده ويدوى يزى الدائمة في الله ولك وفي على فراب ألى ميزى كلاي مكد وادر كالبروجين اوروه البي كدرّى بهذكا مشامير المثري はにんりんりははいかる

عالى الماس عن عدا عدال والدووكان كا وعدال ف دال المال من قد الماد حدد النال كالدين الدومية يدب وتب بوند كال ادراك بي كول في ويد بوسدة في برے بروش نے الاون مال کے اللہ بولٹری بن اور اس می دائشہ يد فلا تے ۔ ال واق کا ملاق مي مي سائيدا بينا بينا واق ما دوران

تحص مي تكيد ما حب مشايده الله وورسه ما حب ما بدورات ما و الم ين من المراق الديما حيد ما يده وروافي من و من المرواس وروال وروافي و はいないるとんなかられこれをからかりないいとう おおしゃことはいりとかんいいましかのおいかっと

الفاول مدرى ول عيدونين مرت الله الله والم والمراب المراب والماس من المساقة المرابية

ordinist in all contract bugs Lasting سيلاما تد ورون خصي والزم لن كاعرل مي أالدوى مرف خارك الم . Buchaleor (رُجر) مين د الكري مين ن جايت كر جد الراي خدى قامين ال ك

تباست مي كوليانني مزيران وده جايت إخذي Content of the world of the Work in the いることはこんはいんいりんいりはんしいとも

اس ویا ک ال کوری ما کاری موری سے مع بان ادر اور کے لیز وي ويال الما الما تاكي ويهم الزت بنيا كار عامية إيا أب كدد أكيد مدا نبادك إب العلق يل

على بديد في المن عدار التان والبيت إلى أد مجا حزت وزيد Astala in my war 1 the Story of Site 母のからは近日の人ではでかけれるといとい

فروشادت راسات دوسون مرك ادر ماحت ادران عد اكب ولي تكا مزت في الرال سائ مع الم المال كالمالين بينال ك المالية

بال مي كالأمكم او كال سالت اليي مذ يوجى كذا ست خريز بو -

دوتان نداکی نذا طامت ہے

ين او هام واتى روز الداعير اكب وان كدست يرسوار موكر باراد مي سكان is if the descine of it is of place Single الكالا صدرون وبالتش أواس كالماوت كاحزت في وفي لما اور الأمور Secretary and a went fore Sign Lette 2 4 robbish Shanish spelly 18

To water an equite 2 15 3 St Vouley it and いんとうりははなりなっといんとりまれた دومدوق علاوم ريد في مدوق ل كريوس ماسط و كه وه اوروس مرك

الم عمريات سدوق كوالا ووخلون عصرا جاتنا ادر بوطلا لكانك Which is a city outle ext por Ed はなんかいはとのかいはというといんしい

いくというときじゃんか يه الناسيدنداب مي يميزة م مني اي مالكري يرسب كيمني جن برهن 412 Lie Vind half wird on Lawin ال كمناق في كيكروليت إمراكرال الله وكدوليد والكركون الحقيم

. ri-lakaris العراطية والمان فليدم وفالة تالاحد المدين كمال كال عازيت فحد ادرنب ن كالوال كالخاسري أشايا والقارماة كرائب كمايا موفا . Viriolizabel

المد مرافق المحالية اب رواب مي (الماري سفوا كراب شن الافر وكدن الري والا مرسطع : رنگ تے گری نے اص ات کوئیٹ کاک اینے خشن کاٹ کاک کسازا عنت ور در علی و م الله الان الان الم

عد كسوت است في اخرى الى توليد أدى كافر على الى الدويان かられるかというかりゃくとしいいける كساقة عين كالمستدي فروا والم جوت الإيدا كوب سوم بواكرانك الداد الا الا الدائد المائد ال 生っというながらでんかっかいからいかいけいいい ب التدل ك مال كرف ين قراء الله فاكرات عدد المال الكاف في بالمان كاميرة الدول الكاس وك عدود كي

کے بھوت ہم وید برکھ صوری نے اور دورہ مدر کھنے کی سوز میں امالت سے ب 、以上のはいはいればいにからとなら ترة و كما خريث المسادر ولان في الارند و كما ال La lost حفرت والمسامية فرات ي كوك ون مجد الموت كالبر الدو فاوا

ل مبن مي بينية كالقاق مِنا . الى مي سے امائد الك سے كاف فلا وكت منوم ولكن سقام مكا وحداياتي قراس شركا سلامت كريساتا أكب شاس بر الديركا فراملي في م طاعت كسيديد، والك أود الفي في على الله とこのとのはあばしけんといことりはかいしか というしていからいかとういうとうとうだいからうでき ميدوني دادي تريادات ارت المان كالتي كالفظوا كالديوس ترارطة فامت كالنت وعربات زاده مناسب ادرع شغرام ق ك طرف فاستداس ك في وال كل مزودت بصاور وو ولي سنت وراى الدالل طيوم كالمتافت مد وسي كفي فابرى والفن لايرك والمتا من على

حزت والمعاصية ال سنده والا علاق كالم في الكري المراب كري ال وين كالميت الدُّ قال كالويزات أفانوت بنوار قابق كالوال ي والد والتال علاماليد. سرت دا كمامية المان كري براك بالمراكب والديك ما ورا الخرج اليد عا وقال ب دون جال ای دران ی ناعی،

است بما في إلان اختال بدست قرق كيا ولوست و اى دوماب داراكان عداس عراس عراب ك ي ف الريات برول من موجا . يوطون قربت زياده سے اور قري اورب منادب ان سبات المجا فراه على يد الرفوعات عدما مرا

چېدن سام چې سالان سيمويات سيدون به شباط حرساواي ادم کې د کارت

همونشا بالایم او مهمی حسابیت کوست موت اداریده برای در این کارکویت کومی این نقشه می کامیا به بردگیری امنون ادارید برای این در این که این شده می کامیا با داراید

2 Linder of will of Li Lit Sparte Mill Literature of 12 & con a Swat Con Stan Line Lill

you to with of all the fore of the year of

الدم عامياد برگذا مدان مي جدنه الإمراد إل. معرت وأما كي بخش كل محليت

ر من المستوجه في المن المنظوم المن المناسسة في المستوجة المناف المناسسة ال

در المساوية المساوي

والأمريد يعامل الديريان كمامل كالمنطوق ماكد والانجان والمناب

Lind & Mange and while so will

المؤسسة الما الموسال المدينية في المطابقة المدينة الموادية المدينة الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية معاد الموادية المدينة الموادية المدينة الموادية المو

حفرت الإكرىداني والمنافرة الله من . معرت وين والدافرة العار بعزت الإكراماني وفي الدُّ مَا لُ وز كراساس مِن

الهار كري المريد المريد المريد المارة المريد المريد المريد المراجع المريد المر

ه د نے اس کی دخت سے اور دی خام رواض میں بک نے اللہ تعالیٰ سے اس کا ممال کیا ہے، مرید ہے کو کومت میں کا فاحق میں ۔ محارت عمر فاروقی رونی الاقراق الح حد

تضربت هر وفارد و فی الاز قبالی هند. صغربت هر داند دق دف الله تبال مدینت سیر این گذشته دمیز د اسراد شر

در احتده و همان المنافعة المن المنافعة المنافعة

حفرت مثمان دين الدُتمال منه

جی دن با بان نے حزب خان بنی مواد نا الاحدے کی ان ان اماریکا ادائی کے مکان کے وداوے کے سامنے ای جدیگا آئی کے مکاموں نے جنابارہ نا ہے۔ من منت آپ نے مکاموں سے زیال کان ج ستیارنداخائے وہ میرون محالات ہے۔

ر الموان بالزائدة إي الرحوات بيدا بيراكه إلى الدين بالاصوائد المان و المان بيراكه المدين و المان و المدان المؤ الإسلام الدين الإلك كما القد المدان الموان الموان الموان الوائد الموان الوائد الموان الوائد الموان الموان الم المهام الموان المدين المدين الموان المو

ه شداده به نظر بردندام کرد بیان کمسکر ای ان کام آبلسته به است ید دهای مور بدندی مورد سینمی . قرق اکسین زم والوکم الحق مین ملی دنده ایر آثال مد

خرة النيس فرم حالوكو هم بين على دخيان أنثان مذ فدين سفوب ودركزا اود وقرا متزال دياعت ميط قرصورت من ابري وزاؤ عبر شاعورت دميس مديد سام كي عادت بيرط كاميا

اسد ابریرمال اوگرانگیری کاردانگیری دانید به خاکه اسلامی اعداری در داد ایرانگیری در ایر به خاکه اسلامی اعدادی د وحت درکندم دانید قام می اطراح می ایران که داد ایران که داد می ایران به ایران به ایران که داد می ایران به ایران مراده ایران می ایران که داد می ایران که داد ایران که می ایران می ایران می می می ایران که داد می ایران می ایران که داد می ایران که می

اس کے بارے میں آپ کا کوارشاہ ہے آپ بادی دجاتی عز فی ادریا می کرگئے۔ کوکیدا ہے ہے کو کرک اب اداور مول میں آپ میں بہت طرحہ کرائز ہے موہ خر کسی کے جا انڈسال نے آپ کہ عوضوں معا ویزیے و بجائے کا محافظ وکسا اور

رابرسکه و الانسان شده که طوحهوده الان به تاب به ۱۹۹۷ و انسانهای مود الدول می به این به ۱۹۷۷ و انسانهای مود الد حریب ایران می ایران به ایران مود که شده این به این ایران مود که شده به ایران می ایران مود ایران می ایران می ا مود به ایران می ایران می به در به ایران می ایران می

در و در پرداد کارد کارد در با در این در با در در به در با در در با در ب

كان بدية الأدنام مودث إلى الدولان عيلي الم مؤسسان موران بيران الما الحادث و يافويد الله العالميك ووالما إ الدائه كان الدائم وإلى الكان الإدكارات من كراثه المنظ الدولية ا

اے دیدال آباد میں ہے والے کا اور کار میزائے۔ امریت میر آپ کا اور آپ کے داری کی واصل کیا طور ماکروا راس ہر منرت امام میں میراسان نے اپنے خادم سے کار کیک اختیار کار کاکا میرافال

۱۱۰ کی المدین عوادی و کشد کے شدہ دینے ہے گئا۔ کووار این کردی سے نودا می دکتر برمود می میں سندہ میں ہے۔ دخاص ادائی اموام کا دیسے خاص طور کی مید کا اور اسکا فاور بٹ سے برای وکار

اسه واز دموال آمریک و دونش برای میرسد نیگه برکستی به هرایشهٔ می آنیند داشته کمارید شده که مارید دواید موزن اعزام می طویسای مرایز از خیر با دمی اداری داشته می بست. مشوای در بودموزت می دون از آنان صرف کان سد کلیدهی داخری ک

ایچ تمیشان حارک ایر خوان به ایج بوده افزان استی دانشده دانشد ساکه استیان که استیان می استیان می این این می این مسئون شده وجه ایر می ایر این این این که و آنید بایت خاص به خوانی می بادن باید می این این می این این می این می این می این این که دارش که در این این این می این می این می این می این می این می می این این می این می

عنون التصوير المساعدة في موساند الا بين الما أن المساعدة الما المساعدة الما المساعدة الما المساعدة الما المساعدة وي وما الله بين الما أن المساعدة المساعدة

سرت او بری اسام برین میرسد. حزت از مین طبیان اسام است اولی دهایی اور دختر ارامیت کرها می شهید از داده این میرسد از در دارامی این از میران میشد.

کردید کے اور شدہ وی احاری کے سراکی دیا جا ہو شدات واجا ہو گاندہ میں وقت کردید کے اور احدید کی است کے اور ان کی جمع کھا کے والی والیا تو دید کے دور است کوٹ نے ان سے کا بھا ہا ۔ والی والیا تو دید کے دور اور ان کھا گھا گھا گا

کید سه دیداد بر یک بازی وجهای مورج یک کاربر فرج می کاربر فرج می این از در این از می کاربر فرج می کاربر فرج می که وجه از انوان برای کاربر کاربر و بیشان که می می کاربر کاربر این این می کاربر این این می کاربر می کاربر این ا کاربر از انداز بیشان می کاربر بیشان برای می کاربر می کاربر کرکر که می در

کیرسال چام می میدانگ میزبردان چاده شان دهرگذشته های مرتبط از در خام بر میدانگ میزبردان با بین شان دهرگذشته های واست برخی میزبردان میزبان بین در بستان بین در بستان بین انداز میزبردان انداز میزبردان انداز میزبردان واقع انداز من طوات که میزبردان میزبردان انداز باشنا کرد و این این میزبردان میز غيد المؤالية المنافق بإصادة كالمدسنة كدر المنافقة المنافقة المنافقة الكان كالطبطة المنافقة المنافقة المنافقة ا المنافقة عند المنافقة المنافق

ه برا در الانتهاري في سيد كمد الدارس كه باستطري في المراحة الكافية عن الموسان الموسان الدولة الدولة الدولة الد المراكز المسالمان الدولة المستوية والمساورة المساورة المساورة المساورة المساورة المساورة المساورة المساورة الم المراكز المساورة الم المراكز المساورة الم

ر المنافقة المنافقة

رى يادى ئەرىيىدى ئەرىيى ئايدىلىدى ئەرىيىدى ئايدىلىدى ئەرىيىدىن دارىدىن دارىدىن ئايدىدى ئەرىيىدىن ئايدىدىن ئايدى ئەرىيىدى ئايدىدىن ئايدىدىن ئالدىدىن ئالدىلىدىن ئالدىلىدىن ئايدىدىن ئالدىدىن ئايدىدىن ئايدىدىن ئايدىدىن ئايدىدى ئايدىدىن ئايدىلىدىن ئايدىدىن ئايدىدىن ئالدىدىن ئايدىدىن ئارىمىن ئايدىدىن ئاي

به باینا کمی دوباری که باشده این که میدستانده به این با این می افزیر بیشتر ندگی دادد. است پیدندگری به می می در مین بیرون بدور بدور بیشتر کمی بیشتر که ویران کاران دوباری این می این بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر که بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر ویران می در این کاران دوباری بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر که بیشتر بیشتر

ه مود خزارت کامید بندن به دادای چون روسه بر عسون ان سند روسته کام نشون به دادای به در در به به داری به در سند به مورد نشاید در این که طورک باداده کیا اداری کام در اید بعد داده سد. با در داده سد.

المان سے وابعہ ہے۔ اور کیا افر این وفاول کا این ہے اس کا معرف اور این کیا ہے کہ افراد میں کیا ہے کا دوساند شاکد کا اور انواز کیا وفراد پر اور انواز کا این کا استان کیا ہے کہ اور اور انواز کی کا انواز کیا ہے کہ اور انواز کیا ہے کہ اور انواز ک

ري عداق الأولان الإدارة المساولة المستوانية عددة المستوانية المستوانية المستوانية عددة المستوانية والمستوانية المستوانية المستوانية

حنرت اولس قرنى رمى الله تعالى مند

الاسمان بدونر کا دارگذشتای و و دو مناکب الکدستان می کدودیشتا بید. مرتباه عداد المرض و دارگذارید بدون این بدونا کا با بیا جاید. مرکب شاید مدارای برداست برای این بدون کا اطراف و این بردار می از مرتب فرق امل و برداست برگ اید دادل سد ما از جنوبی شدتی ایر

در فراه المعادلة والدينة والمدارك المدارك المدارك المدارك المدارك المدارك المدارك المدارك المدارك المدارك المد المدارك المقارلة المدارك المدا

לו לו מונים מונים מונים בין בים בים לו חיים בו מונים או

ب مدن کی بیده از چانشهای کوب به به انتخاب فران که میده باید که این که میده باید که میده باید که میده باید که می به باید که این که برای میده باید که باید با در باید که به باید که باید که باید که باید که باید که که او که انگرای از که در این به باید که بای

بت بن که آخذین تا بید برگی چی ان کما آنگسی بذیرگی چی خشت دگذری ساخا

رق وي بيد. رئيس نه فوالي اسد الاست ودست (مرتب البيتر بطواست محاكيب وسن اللم جا رئيس ودريت المديد المراجع مديد كالمدي الدون المستقيم معيد برخش جيسته رئيس ارزيد فالمراجع المديد من المراجع في المديد المديد المديد في المراجع المديد المراجع المديد المراجع المديد

حفرت المام مجغوصاً و في دمنيان أدنا لي حذ كد دن موت داد الماد والأعليات المعاشد من مامزه سقاد وي لا الدون دراري المصورة الحاكمة عيث والمناب والمداد والمثالث و الإرارية وي دراري المصورة الحاكمة عيث والمناب والمداد والمثالث

ا بهد فرواید استان با امامش باید و در که کشت از گانین خود سکه طور و در به در این همیت که کاران و پدسته می در حرزت داد: دان شدند و در در در این است و زوندوسل الشهد که سازی اطرق به خشیفت داداری بر دسته و شیعت زادهٔ دادیس بست.

حرب الام بغرجاء فی الریز کا با سعایا میان ایری این بیده فرده بی کر ان چه ست در اور سده کرا میدانسدم کوره سند او چی داوی که در ایک بی می این می می از میری با در بر ما فر دانس برای من حق بست ادر وانسیت قوامت خدم ما اداری این در است منافز در سند

انا عام من ادام کی ادر سائل داشب کیاسته شق بسته ادر داشب توکند. ایر مدارد آن ایرون کوسف شده شدن بست. ایرک موترت داد طاق اکر بدو برسکه ادر کشد نگ داشد مدارم می تمانی ایرک افرات که این سعت ادرای کاشی افوان آن این شده کیرکام واست ایرکام

در الارون الدُّمان المبارك و بالدِين المبارك و الدُّمان المبارك في من الأوافد الرُّمَن جريب ودك إيدان و بدائة فل جروع ورم كشاب ... اكب ون صوت المرجوع الدائم المبارك المادون كساب وليك لم

خرشادای وَق کمها می ریشک امنان می ده حزشه ادیر واق که خات ين ما خريد شاقعه و وان سے كوركى اورت رمان تربيك تيد وال التي مريت برم إ مان نا السرق ويكارس كم ميكن كونون الدافق وقت السرطان عين يرمون الأم والمروك ما يت يروفون عدادة بيد وكالمالان

حنزت برم بن حيان جنبي مما بركام كي بسيل ين بيشية كاخون مامل قنا . لكيده ن حزت ادلي

Allegaz Excumito) (2 muzza) اسط بعد الني سوم به الرحزت ادبي قرف كودي بي الادمث كو يجيزي م می زارت سے ورم دیے اور کان وسٹ کوزی مقرب سے ایک دونعرہ significantly by the indicate his له کونے لؤکے ویز ہے دو کردھ تھے۔ حوث عرب جان کے ورا intolle shirt is Kine and Lary wy your ك أمري بنعان في ما ين ألرسام كا صوت ادبي الأن في الدولا والكرامة

مع بن مين نداد عياس ند يسي مين ميان ميار ميم مين وكالمرواء وت في ميان بالمعرب من ميان كالمدر في سارت ے بنن إب مسئلد بل عدرت م والے بن احورت فرقاد قائے الوحزت الميرا وفائك لمدسي إلى برقي مي خصوت الي الكاشي بعابت حزت ويادين المستاب كرحزت وفادوق الشاحواسيدمام والدهيكم

عائتا رحف أرثاد مراا . بالشرون المنافق بيد وشول كالمنازي المريد

معزنة من بعري دمن الأعليرك شدمت بي انكب دبيا كما حاحر بوا ادرا ستسار حفرت مناجرته وموالشرطيب وناإمرك وتمين بير كيب كرفا اور ميت مركب المدروي المري وزن عالما فالمان والم

Re- Surveyor = 4 felugge Luly ديالة في الرست مايات نادي، يمان المراس عارم داله ملاس وكا موت من البري الفرالي ، است دیاتی امراز برمونب جزول می بستاد دمرا میربله وادی میسید

ديال سفكاءاك الى كادمات والي كالحرميا عقيده مستر وكياب. مرتبرى فروا فالدريرا مركا الدخاك كالمدوون عدد with when cit & Side in Nadachie بد ونا مى جرود ب د از شكر المناه ب بدار من

رفيت بدوي كالت وبدي كرماي استان المالي كالمال Like Silting teling Lower Nor

(上のりないはなりははなりのとうなる المقال في ديا العاس و في ما الأس الماس كالدر والى. معزت من جري البيدوي كاره الله وه كان من مناعق إ الدُناك خديد بالرقر سيد اجما كانتدادي نازير عظ قاس كانت ك シャガルーはのからかといいととかんこれがいから ميداريس ليروا بان كريد الديرير بل كانامك ويتزيد لاستدة وان كراي الني كالأراث بريد وان ين كد ادر موت بي ال

يه برادرا ينا د برغانس الدُتنان كسيار برير مربست مي ماست كانه بش

الزطريشة الين جي سندرثين النادمسية سيد اجهُ المسيب بكيدون المدى في المراكب الله المواضية وكا إليا الم يتساء و

أتبسف وباي، شاكريا كرنا ايدا طال بسع من لي وام بخامني بست ادر فراند

میته به حضرت بسریما" کیک دوز صرت سبیب اجمی ^{بهم}ی خاکما و کاهرت گزیرے

امنی دیگئے ہی حزت ہیں اُجئ کے آنا سے مؤدج کردی ہے من ابری ' ثابتا

ميسائل برئ قرائب للذياء ديث في رسية معزت بيري الف ان كان

いっしょかん といらいなかいこっちんんしかんといれ مهري التي درات كومب السيدة حراج بي كواراب مي وياد الى بما ادرا منزل ف

كوادكرة الياح المرام بصصى عي طال يوامني بصدائ يد وكالان عي كما تب المدار في والت

مستينا حبيب العجى دمة الدطب

كان على سعيم ي وام ديو الدود كون وام ي من من طال ديو.

-126

حرام وطال

اسه میب اقرئے من ایری کوکس د کھاہے) 101.220 باين سفكا بمن ظريري . والمارمر عرب يرسيس في على المرابع ال 15GE L'EMERGENE GOLE GLICH

うしんのかいか!

مزرت ميد المارام كالمكدي يتاكاتين مرس وري يربيريا とといいまないとかられてからとしてよりいの من برق ترسه بايرتسال وزايا العصيدان كوك كرالاً قال ن يحداثان بكت عدان كالمراب

uncefullatula ilian dukate ميد توالد والدارا المدر مرتبي الدائل في والماكدوب أب أدة مر بان كالله بما ليك كروب خلف أنس أن كرو فكال الرعرث

بن دُورُ مُن الله معنى كورُم المدي

سينالمك بن ديار

مكسين ويا المحضرة عن لعرق الكرائ ويسقى على ابتدادي ألب عرف ادبيا برعدان كرادى فام عدار كا وبركا ابداراى فر الماك دات أب اكب الموت كساقه رقن ومردوى ممثل مي سكل مبرا الم الم الموساء الماسية はんかんしんく 二けん

الى دقت المن المري الرفائك فلست مي عافز بوكر في قرير كا اورا بأحال

المدود الاراسة كالأكان وموكوب في كان وما كالمال نه بال ادر تا بر سند ملد بن وينارا به نتكس كي كن يرسواد قام والد المبسسك اكدو ي بري المان المروجروا كالمارات درا من كفال عين

كائب بالمرواد براك كالمواق والمائد فالمكافئة ماليا اور جورو در دراى كا مدائ كان يى سه شع ابر كالا اد

LALLAZITOLO

مزة ميب بن الزيم إن الخ تعالى المات كالنب يضي ال الإطاران قاليدول بالكران كالمراب الديدا وكالم والمدولان والدي الديد المديد والكالم المال ركران كرواست ول جرموال آيا كركون والمن وباست كالماسة عي الكرك ال とうとはうとのとのといいいというないんとのとれる

> منزى سيب بى استرائ إيها بياس كام عدك ير. مي سايد آپ كانالت ك شايايد.

یں نے ہر مون کیا۔ یا تیج ا ہوٹے ہے کہ آپ کا کروں کے ساتھ مرافقت دکھتا ہو لالمبذيك المريين كالمرايل كروابيت كالأقال كم ماهيما فتشبيت

ب كدار أب له كواني كالكب بالمر حراب به در ارتقرات اي وقت ووكد · Soft of the all of the state of the - entropo pone interper

﴿ الله عَلَى مِنْ الله وَاللَّهُ مِنْ الدُّ عَلَى وَاللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ الله والله ا على موردوى عداريم كافع الرم مالان في مي يقرف ال كاليا إن دار ماكدون حياسوم وفرير تدمام مالاسدول ك دوب دق

بنكري مستوركستيدناع المناه والمراع ليواران أبوارمون أواخرا يتمر يحير فتحد اورجاة

ين و دست كوكر مشوراكوم المان على المراح وسند عليداستام ست المنشق اي . ي ديم ون لا المكالم المست والي -اك كرايد بيدول وي كالمرود والمديث كروام كالمرود والمراكم

الوحازم إلمدنى رمداندسيه مرون حان بيان كرف مي كماكيد فد ولان فياك عداد عدا 144816 أب فريد مرامال خداك منااد وكان عصر فيادى بعد المديري والمارية ويكري الدي كالمدسة ويعام والدر المراس والمراد

لادن ك باكت ابن ميزيل سه بصادران كانهاشان ك مفاعت مي .

استفارك زالا كرمدارجها في متروي دير عبدالدن رعدا فشطير بياري سفا در والماس مت من في المراح المن عدد والم المراس والماسيات LIBROSONOLUNGUICHELLOL - シーナナールーナー

ستيناامام عممالومنينة المارال مراجعة الله عرب المدارة المناسكة

الم عد المراج المراج على المراج المرا Your Sunt probably the short of war death of will coposion and I de acoupt or youth الماليك المروات كالمفاسة والاتراسل الماط على والمرك طرادة المستاك والمد المدور والمال المالية والمالية والمعالمة والمستان المستان المستا

ودري وتبدو ملكرم الوائد عندو المركوف سين ويجدا صواؤك سندايا العاميد إلى مروست ودوار المسل ودوكاليب وكالمانين كا -10/10W مشرب كرتيب نادي اوجزالفورظيد تداس فياتنام كاكر

المعراد منقد مسان الدى اسعري كام إدر شري مي سي كس الكيسكرة من بادس بالدن مدوره مع ما م يقد سيام بحرا الر مادون وراجي كني ريتام للذير مادان دراد كالوف بارس في مرام الرصند في الى الرصاي المات からこんどう グラースパーールでしてんないいん Butto existin in city of the 150 20 200 سري كمام فودكو ولامة بالي، سفيان مياك ما في أور شرق تامن بي ما يل. چانے سنان لڑی مباک ملے اس کے اس کے میں میں میں کر سکت کے میک مد والدمرا

ان مشكنة كا وجروع كاكر ومول كونع في الدُّ طبيرة في كارت وبت كريت قاعق بالكودو بير عرى ك دى كالك عن في سائل الدى كالكوس جادا ما كان صرات منف كسارى كالمعين المراوصد عالات كالان والمان الم الوسيد ف والمدامراي قرار المن من وعراد من كدان م

Lucion kercul purcours أجزياك يايم منت الله عنى من الما الرك يدم والله الدائدتام خان دا و عداد کري.

عام الإحنيذ شفرهاب مل ميماس وتت منسب كدلائ مني بول براي المري المان المري الرياس المري الرحيثا بدن قائب هريد كاصلاف كانامق مني برنابليسية . وخداى حماق برمائد Vier Live wir Vor Cultual with it alic كانتا متوركا ديب بنيء يادانام المعنداس ورا ابيط منب تناسع فإشايك بالإسراء الاستان بوظيدة مؤرة الماء المن سانط ومدرك

استنعد ا تراكامال بتعادر ترسداني دميال كيداي مقرد شانکا، بدال وادارت است ا برائد ماذ اس مک دو نشید مفرد شری

ل دون مترج جا ادر تكن ذكاء بي مشد فيسي حاجا جنية . وعدن في والديم المعلوى مزان لا وي بل ادرموا وما في مكرسب とうちゃんんのレニータニタロルとのでんとか المراد على لا ما من مورية في كاف المن و الكار من الله من الله

ادمند شدامن فيوز وبالدمير ملي ان مصوات مكى . مية المام الومنيذ الرباق مي كروب وال من حيان وعد الدُّعني الما أو يد فاب لي ويكاكر قامت قائب اد قام وكد ماسك كاكرت إي باغ دمل المعلمان عدوا في وكان آب و باكاؤك كار ساكون ي

راكب ك داخي الفي الإل القدرات المح كون بي مان جي الك بوزال كو مجاجزة روالدال ادر مروسندال جهادر مندت رشار سائل جدا بادخدر م برے بریاد ہاں کے بہر وال کہ کیا جب و کل نے کے و کھا و دوم ہی ویت الداوم كالروا والمدار والمدار والمدار المراب المرابي مورس الما المرابية عامانت بنا ميل معفرد في الكشت ماك عامانت موحث وكل جانو من ك يصيف وإس سه كم من سله باادر كه است ما عند الأكوراس الك إلى ي ع كوكم وجارى ف درات كل أ عد وى وسور الدار

مرو الماين بانسان والدين التي فيداب والمستدنا براس على بالعامل لدمن كريل المراب من الدواكر من الدواك من المدار الع ما المارا بالمكرام ورال كرام ين إما ب

الب عبادم الواقد الاكسر والبدل كالن يرمري الكوش . منرت محادي معاد دادى معدان عدروات برياس ف في كوم الله ليدوخ كواب مي وكيا يدعون كيا وصل الله على المدوام والسفامي

الب في زيار الوحيد عديد عياس. معزرت دانا حمى بنق دانة الأعليد وباسق في كرمي مكسستام مي سينا بالم مبنى

يزائدتنا لامندمتان مميني كراسف أجاحا فتأكرم فأخاب ويكيا ا ي طرطوري بدن الدصور في أوا الدعد والمريك بزناك كما فرقى جن س وي يدير على بيدين كوفيلت ساموال بي يع براد ماب بي البراء والى وساع و الما المعادر كالمال كالمال كالمناس اسما مي متب وميان فاكريد بداك كون بي معدد كما ين موران فان س يرى إطن مالت ادرول ك يرث في سوم مك ادرول ، يتروس المم يى ج

قص هري که برايخانه ام بادسندي: حدود دافذ های دمحاره طبه غرب شرحاص کريمادد کيسيمان شدامن اينا دنها شرع کريماد کريمادد کام او مشار دمان شدي داست برمانز Sugar أب بنان وافي كراب كوكون اب بران دوی را ب مارون ا امام ماسب ندوایا راب قراب خرا برای دادم کرد کورک این عمر این

- consucue

معزت عبالله في المبارك مرودي والأعليدي ابتداق وتدكا والتعب كر أب الدى وعاش من الديك مات أن مستون ك مرمان = الله عبت يا في ال من بدين ما دون المد ومرساك ويحف بديد اور حزت مبا ف الري المان مئ وكان كار برفتاك المان بيد يكن بب وتكا أباط ميدة ال احدى بالدوق بات إنى كان كان كادوم والرب بي احداد ان ك يد الناف المادر المناف كف كف ك

اسعداد كابت الجدائرم كالمابية أناكا قام التاعن ابعد فش ك المران وكور الدوى الداس و ورد كارود كا مواد كا ما الدون الدار الكا ي الم موردة كولياكوب وكدا والأبيد بير مون برث كادم في بي كابيد الايتصائب ف الدي ادرهم كالمقبل ادرم تم ويستمل موسك اعلى شان مدرو والوافي القاركم كرات كي ون ابن والدوك ال الى الدوك المن الله أدوا موري اللي はれれるかのころのとだけとしてなりのはいいれる اس ك نيدود مقام وو عدادي الك كروسد إلى ك وشدال كاميت يدده كاكم كوري أسط او محادري كالدوان عد فالكولية المداك ادر متق كونت المثاركاء وكراب السيصادي

اب شاران ما اب وارب جزد على سے! ائب سفادالما مي سفاكب داسب كودكيا جن كالمجرم بملدول عن عجل بيكاتا المرون منا عام إمراء ما معاسات عدماء ساب الماك والك لانن راه بعدة الريث جاب وا ، الرقباس ما من قاس كارا ومي سوم بي

مياون دوه مروك ميدا عدين ما تاأدر وي اواتا مود ادرتهاس كالموان مين المؤلفة بر حزك مبالله ب البالك والقري كري ف المانيت وكره وينا ذه الم ادراس مصين المائز المثل مصارر إ.

حفرت فعنيل بن مياض

منزت مستبدة الإعلى تعنيل الأمامن وعدة القد ملد فتراجي بست وزاك إحلال کے چٹرا ہی رقوعے مطاح اداد دمزن تھے کئی ان کی فیعت مروث اسان کا فریدا کو بہتی تی جرنا الدس کرنا توت موقاق سے کو جسٹا کے دیا ہے او الركار القرار المرام الاسان دية اورو مرتش كال كار درار اس حالت چیدبل گان کرتے ہے۔ مالاکدا خاصت الی جی فرقت بخاخرت ہے ہ الزدجية ويته أكيد ونذكاة كريث كرم و عنداك سمعا أوسنر يومعاع جا (الارت الروداد وكول والمرج العرجان كالمالان كما الديك كم في المرب وي وروب كالمراه والصائد والمائية المائية إدن رشيت زم المدركا مب خيرات إلا اس ع إنقراب مسا میانتوران کا سے مراک نے وال ماری نے تاہے کو وہ الله اور وُرِيّا إِلَاهِ وَالْمِ إِلَّهِ إِلَّهِ مِن مِنْ مِنْ وَجِدَ عِنْ وَكُلَّ مِنْ الْوَاسِ مِنْ الْمِنا شا تروم و بعد الرف ما بعد بر مك عارى مجل ما في الدا وطا و ما و ما م كوسفر در دواند مواكد دن موراست مي قارى كلام ياك كا تارث كا والدراط م شفقی إردن الزخید برد قت فادن مبالی ادرا شارد یا کرمیرولی مرکیارب اس مام يرايع إلى جال منهل في المال وشف ك يفاعدت كال يفي في . ان المال في المال وديده مرين عيداكما فركت أكار تورم خيل في كال مفيت مزاجل

مور منول فرايا السامر الوين اتراياب مدمام او ميتا مدمين منى أياك ذكر الله عندان كدول أوي؟ منتل في جب بدأيت منى قام م ملى الأوام كان المان في صف من وفيات كالربي الحاق الم المربية وكا ول يردقت ما دى موكل رضى الل في الموسك ول يرفله وكلها الدراشي وقت صدرت كرم أسل الأعليد وطرائدا الأكادر والماست تم ل مز با في اور الأوامية است كما دائي المركزي وي دارك الداساسة في المركزي ی نے مشی کشاری جان کا اسریا واکو کرد کسسانی اظامت الی ح گاد سندا می سلم نے سے رامی کا ادر کھ کرمہ ہیں سطے مجاز ادایا سے کام کامیس کی ے برے کو اور بردال کے اندی برا درای کی اس کے انامت الراج قد فن جراست مليل جرد ووحقائي المرضندوسوف ورداعتي وست ك ون المري في علامت وخون كالكرام الكرز برايد المدن ومليد خرون كي كيراد مجانعيت وافي إ حزت النبق من حيامة الرفي أحب عرون عد العزيد من الدُّ قال حدا خش بن دین بیان کرت این کویس بادون رکشید ک سابقه مکد کرمدین ها

> يان الركن ووان ندا مي سيد عن اس كالديث كالمانيان. مع الما الله على الدين إدون الرشد كرحد الرزاق مقالاً كما من الما إلى فرى ويك الكوم لدى وضت من الد والدن الوشيات شاشده كاكران مصدريات كرو كراكران بركوفا فرصه جراوي اواكردون مِستَ مبارًا قصالًا سالِ عبا أن سون سَكُما وإل إلا من رشير سن مِنْ عم وإكدان الرصادار وإمال.

الدسيد الال ع عداد ع جرف و إدران دهيسف توسيما

المركل كرالدن وشيد فك الماسفل إمرادل ما بتا ي كماس عديث بداک کا زارے کردن برمن کرمی دارون داشتر کا حفرت سنان بن جنید کے ال نے آیا۔ اُن سے میں ویونک اِٹ جے ہوتی دی جب ماہی ہوئے کے ارن دخد نے سر مصافارہ کا کوان سے می وحد کے اور ردں جائے جب میں نے درا منتک قراموں نے کا ان قرصہ ہے ۔ اِمان فوق ف بحره الران كا فرصد من الماكره إما ف - اس كريد بدأ مرك الدائدة الدائدة

اسەنىش بەيمى مىرامىتىدىيەس بىرائىمى ئەدىرداك كەندا دىت كادىيمى ئ كافيراء لكاكرميال معزت فنيل بن عباس على جي رجا الدس بارون وشدكو اخرت النيل كريان الداكل وها من وقت من الأشراك من الأن المدي الاوت است فصر وسف وكا وواد المرس أفاداً أن أون سا

سي سف كما د امر الومتن في -معزمة فغنى بن ها من ف جاب وا ر عجدا مرافوه في ست كما مرد كاد. ين سنج السدي كما مهان الله إكار مول كريه ملي الشَّر عليه علي كان مديث من وكسي المنان كريد زيب مني وياكروه الله الناك أهاحت مي الدكرة الأكس معزت منشق من حيامن م في مزلما ، رسول الأصل الشعب والمراه بدار في وسق المامات ب المن مناسف في من معودي ما في الآت ب الدائم الح

الدن رهد عد إدرون كا وكدا فاحرودان كريد قرل وافي منرت طنيل في والما المديم الوفي الري الخاهيم بي كالدرك أولون

كرا روابيت جره اوزخ كاكر بن المناديد منا كافرت ركم ادراس كال الاستعامة المازي أماكرور اددن دستير خون كياركيات يركبه فرون كالجاجرين منزت نغنوا الرخاكب أيحوق للعادفا إيال إخاكا قراق مرق كرون لابت درای کرده دی بے اگردراس بے ارف می ساؤمرن دانسی سے المرابع وي و بدور والله كالمراب و المرابع من من المناه. رس درا لبلال الاحدادسان جهاى شريح وي المقي حلاك ال

مهم نے ظامنت برگاڑکیا واحزل نے سالمین صیالاً، دما دین حوّۃ اور ہی ا

اسب اعري الصرفيذ مرتبردانش ولاكوا كالدان سنت مزلمت تك يحايف ليسان

معيتن بي ميشاهايت ألب كالربراطية الدن كري بي الست كم حسيت مي

ون سادرات سادول عافت محدود الا من عالى معالى اے عرب مبالورز اگرا اللہ اللہ کا ان کے عالب سے محفوظ دیا جائے ہو آوسان

I Salicitofor Sing & il Sul in heart whole

تحرادان سر سكماندوي مؤكروجي فرعامي فاخان كامر وإدارين إب

ارے میانوں ادرمیش کے ساتھ کا ایسے کو کھر سامی اس کی حکامت کھارے گر

اس کے نبد حمزت مغنیل دحمالاً علیہ تے مرایا راسے اصرافوشن بالسیان م

كالإستاد الديان عابت أو

مادر ي الما م المرس فريد كرية بوادر بداد كري كرايا منديات وير المدن شيد كما في في إلى الما المركب الديداد الا عاك ب زاد. شانشی نمات کارور با گهی اور آر کی معیت می شکار کارت راز

اس الحادد كاب يرست من وارون رشير بوث بيرث كردوف كا اور كيده يرس في ادر

الدن د فيرا النوبات موسط ليراك. واست من ويع وإوان ومشد في كا ماس منل بن ويع وإوثاه ويعت صرب نفيل من جي ادريدا مع عقب كا دايل سيد ع النفي وأيا اورو يا دادل ي ما مل ب . وقالد اس كي تواجوي ان كالاوس مقرب وه و ما داول ب وفائك فيانس غن

مستينة الجاحيل فالنون موي جزئ عفست وبزدك كريخت تلكريم قصام

مي كي اين نظاه ديم وال كرمان وجال عداف وقد ادر مان ك الدائل في ومدل ك وتت كالد أول المني يومان عدسكا حرب رات الوي فعد أيا عدمات والأاس دات معرب نثر إلى فقرف معزر سندما لم الدهية ك الاب من دادت ك اورائب في مزاكم الله ورست ورجميب وأناسسار

ہے اس کے شرحتہ م کے ہے آیا ہیں . جب حضرت دوالنون صوری کوئٹن میں نیا جاریا مقالہ وگل نے ان کا جشانی پر

والماظاتك والمسايات نياندًا كالحرب ج الله كالحبث بي مرا إن شدم إ

وببامر عرام ن الكابئان كرامان براشا يا قو مفتاك تام بدندن ن بی میریدن سے زیا کرجان پرمان کوا عوام نے برمنفر دکھا توہوہ مكرحزت والزن حركام يسار تصرك ابينه جدوسم يرأد لضادرة بكفظ اكب ون عوب ودا كون موي مدراهي كساندورات ي التي ير واست تصاص وتست وستر يكمفان كشيل كامتاليه مورة فشا معران كاستر فاكر ووكشتين مي سوار جو شفاند حب كوني و دمرتا كناتي قرب آتي قر اس مي سمار ولد الاستداد المست المستعادة في المراد الله المستعارة والتلاموي كالمتح كم يساق احاس بي موديك بمك والاستخب

المدول لديكام كا وموت دوالتن موى ك شاكران المون كرد الله ال のこういんないかとうんびからいいいいかん منزت درائن معرق كوب بركادر إشاشا كدركاك راالة إجرائرن

ولله المعالم المعالم المنطق المناسب المناسب المناسبة المعالم المناسبة المنا فالرودون فيدوكا شفاق قرحيت ندوج كالدحب والشفالد زياده قريب

الأادران كا مَوْي معزت فعالى معري والي لأسل المسالة وعد في احرا غدائن ومت ماز دحزه لله وساد المب بمنكف صوبت خامن معرى الكيدرتيب الشي سيموت وينافيف الميا

العذى في ولك من المراكن كاف مرسة وكالعدول من موجا ال من كواهينا طبيت ويب ويطفر الرب كإلآوه فلكا مما كروا لحاكب إصيامتي المعالات المر ياشاريش البئياس فيتاماشا

معزب «دائن معريّ ناز او جها ركال سنداري مرا الرياس وإن فداك ويد عد چاہیں باسینے دورے ان کے جرے ہوتا ہوا کا کا۔ اے دوائون اور کے جرکے کیاہے ۔ وہ تری ادائی ہے جی خاک ہے المركز من الدك من موال الدائل عراد كالمراس ما الدار الما

فعنرت ابراتيم بن اديم

حزت الواسماق ابابع ويادين في كسام يقد مك ون تشارك كمناود هر سه يوالله ا محدوث دو بري لاي كريب من اباس والسابري

اے ابرا میگانا قراس کام کے بعدا کیے سکت جریا تقین اس کا تکر واکیاہے موكدند وودعاك مأه إمتاء كالم اور صوت النسل بن ميامن " صوب سنان أراى

مون ابا برام والقي كريه كيد الله بالاي قال كيد بالت خ

اسدابايم إقربائة بوكري كوشامنام بديان زادداه ك بزسوركت

مروى كوي كول رفيان ب المادت يرب الرواك والكال تعصی می شاکودی دنیل و وفت کرک ماص کے نے اکلی می شافدا _ جيب ست تكال كرميك والدحدكي كرمرس برمارسوركت فاذاط كين كادي مايدمال كك على من را الدم والت الدُّنَّة في المراست عندين حفاع فأمارة بالمن وودان فعز هيانسكام سن فانكت بها ادر احرارات مجيازة فا كالمهاهم يحما من صعرا وأن حزالة عمال مري

حزت بشري الانت بن الماني قربت بيث كيدن نذكه مالت بي أمر ع تكل رواستان احتى المساكا لذكالحرا لاحن رام الدكور مقا أتعن سل

المت احول منطول المراد وكي المرافقة تنافي ف أن من ولاا . اسد بغرا لأكسفريد ام كالم مقداركا محدا بالابت كالمريث مريث مر الم والدر والمراجع المرادي والدباري المراجع والمراجع المرادي دار ایردامت می معزت بطرف ای دافت اندکی ادر دیدی و بید رسنوی www. wo ton it secon free leike مهامن عنده والديد الكراب كالمدور التكرود الما كالمراسع كالدواط いいしょうしょいこいいいろんけんはいいいんかい

صاحب كعبرًا ديدار

حزت اوندميز ب عيد بسابهاي (اقدي كرب بي بل وتر كم كوملز ما توموت مال كعرفو كا ادول من الأن كاكر ال تعري متر في الديث ال ديك ي دوري وترمان براله مار كوركي وكالدماس كري ويحا ی نے قبال کی کر ایمی مشیقت و حدیث وروس جب میری و تباطر جا او مین ماس ة داكد كما المرافز داكي المحاسة فيها عالماد الأكراب إلاي الليف الما كالمرا و المراد و كورك وجالوب وما عداد و

orace Landing Estimates رت دنيك روست في دنيك الدين من كالى ميكنت النيك. حزرت الإعيان داوَّد ابن نفرهان دمة الدُّهي الابرشائع الدسادات المامَّزُ ميرس ايت دار ميرب نفر هي . المهم الم منيذه ك فاكر الد مغرت منشق

ب میان اه حزت ادام ادام که مولی افزیت بر موت صیب اوا كرية وفرادر مورك عددان فيدا الدان حورت ورق ركت مصادر الم الإلوسان حي كواب ويستعون

بكاب وجوات يا مدوم المرب الرياس الفاحية. percion considerate or al consider عرضاب ادراس كاطرون كاعرت ادروناك ذلت كاروب ب ادراوات

ف در مفيداد رسكن و سدكر هو يرماب الدرب على كون وموات وموات كا دريد بال はいはのいかのはなのに

الباطة كأك الناد معزت مرئ مقلة معزت مبند ببنادى والترالة طبرك ماس من ووالمهادك إزاري كرا وزمن كرت من حب الملاك والدي ال الساكل ترولان سداعيل برخروى كرائ كي وكان مجامل كي سعد يدمن كرا عوالات

2006 50 14th follow with Spille - \$ 5010 45 ما كراس ك الى الم ك قام ك داين جل كي تقيي المب هزت مري التلاكث وكان كوساست ويحيأ تؤم كوشاكس فقراس لتقيم كرويا ادره ومن كالأوافقا كالد ولل المداد الما المرادة والماس كراسي والت كالوافون

上でいれることといけりりでいしていいんいは) ردال الماري ولا و مام تقريد كرواً وأباب المزادة وهاوى الدا تالى عجم فرك آن دس روب سند مر عالات ساير والأشخاب شاو الدان

والمراداي عافات إسكاك في والمعلمة

صرت الوالى شني بنا وإمراد وكالكيد مال المج الدافيك وإن زج دمة 13/12 Lot a co ov 10 & 2 dd apa d 21 22 20 مى بدى شاد روش شار دوش دارس كالمرك المست مريوم من كا

ويهمان وعلى ي دووي أن المراج من المراج المراك المرا الماعد بورور والمراكب الماسيد والماسيد والماسية كال دار دار دات موت في الدار الدار الدار مداي فلم من الألك مرك مك يد وواس فد فوق يد كراد الك يد بالادون Estimition such a branchic ر کے ایں مزے طبیق کے اس وقت ونا دلی تشویقرل سط تا اب مور ماہ من امتاری ادر می دوی افروخ در مادد بدفر بدف درج جاس نام شارد برن اور م كري ني إي الات إليه.

صرف احدث الله الواق وحد الله طيه ف أكب طات تشاقى ما للزين كارد اطبى اس ميايد مدراحت و دُار مامل مرا يام راما تذكروا مغول شد دوميست رود

مرت دومان محالا امول في والما العدا والمحال كود بعالم الم المرتب ول من والدن المال موريد وي كون من تري مالت الدمول ي ادرقام عى كارد رمانكردوان مالوق مى كدوق مينى جرناما يت تاكر بده الأتوال عددك الدعاب الموجب والمتاكم فالمراكع والمعر المواكل والميد على وعلى وعلى الله في الماد كالإنداد ويك ب من مال عارف الألم ب ين اسبياز من كراية عقود القالك ما تسخادد فرمث تقوا فثاستند

اذباد اولياراد ايرار حنزت الإحداد فتحريباء أي ثما في دحرًا لله علي ليبط زلم في كرد كولة عد مر وي ك دام ويد يك ويك وال والمدة ويداك المت ومل المعالى

لبدوا كالأواب ريحيا ادوع كياه إوسول الثرا صورك تكب دواست توكساني ب كردين يراف تنافيك اقاد اداياداندا وادي فندس فعزيل اس دادي في مري م درث توكسي مينوال ب ي عرون و در الدارة الروائد الدون على الدون ومل الدُّمن الله عليه والم ف والله إصحاب الديس ال ون عديدي."

حعزت الومحان صل دحة الدُّهيد ورن وقتة فأعد حديث فري الأدالدُّ والمرك ما تقديد في الملوى إلى وب بناوي احتراد كا فلروشط جا أوه ك كالمعزية في الراق الايت وي باية كروه وَأَنْ أَوْفُونَا كُنْ يرجوروا في المت المراوم على المراد التي وكالمون على الما الما الما chordoplogustelle dettore the bear امن عرار و ما كلا در الدار لعدان أب الدار والكوال وكدار ع ودان التربيعيدة أك في التكابرم الدائيك الارتذكر المعاما كالهن في سياك رسالت ويكن لأك كوترا والمن كالثلاث كما وفا سے آپ اور ملاور کا وقت و ایک اور سے آپ سے صاف کا اور الدسودون بجان مروول مين ستعضدان كازبددتوك موست تشابيطول مي تخاريض أن كادنات مي البرو ك بلى مي بولا يوزسان البدمب فترك المد باعت الأران كم إلى عالم الكالم المركز عد مدود الماجيكة

بنواشا، دی کی کے اِس کا نظان سا۔ حنزت الرحفن فردين سالم يضا لويئ ومثا لله طبيرمونيك كرام م

چنگ مردار فعد ابتداری ایمیدارشی برید دایند مرک ماند سفانسی تبا المضاوركم برى المستودي والمستريد الركاده على وهادا كركاب الإحفراس كالرك ادراع مال يان كي يمودي في المساوحين المان ك في المريد اليون ون مان على عول الدوس ودران كون وكر منا على خير الدر محاثا تكيسنوال زبان ومل به شراها بركا تكريب اخرب كردن اورتسارى مراديك جا تو بالين ون الديكة ميودي في الدواص كا يكن ان كامراوليسكا ندجا

ميردن شدكا اليشا في ستاكان كلي الل الماسان الإصفى على من في وكان كانس كالديد كان المروافي من كا البة كب ون كا وكوب كرا استدى اكب يتري ادكيا رائك اس فيال

上りようなからけいに - 1 كادرا عدمان كرويا ترمدات شرعاني كالليف من ودر ندك -اس برابوصعی نے انہاک اندا کارشت سیدی جی سال ہاگیا۔ الوصفركا يضرآب الري مقاميه واددين والوصواف وددي عاماآ

ى امون ك ان ك الديرست كى حب دونينا إرماس اك والك العرب الميد النصر كوان كوار كانت كرات و الحد ووا في دي المراك ال كالمستن كالمات المرسك مراسات وسي أيت الأم الدي كالدين في الماري المارية والمرادية والمارية المارية المارية م وست دیجی واک کربری ادای را وحنی کورت تر برای آس مشدادد

مب ماش سے اُحداشان الديم مين كان بريدات. حغرت جندابناوی دحة الدُّعلية عرَّت ريامتّل دحه الدُّعلير كم مبانح اد ارد في المدود وزمزت مرى مقول مدالك سداد جا كالوردا بالإسارة الالمام وكالم

حزت رئ منون نے رہا ہ ان ادراس محرث فا مرے مرحزت جذر^م الارم وساوره عابليد. معيزت مرتامتهام كانفكاس مريدان ندحوث سبير لبذوى وشافسطي ع مون كوك ما عديث إلى كان الين إن بنائية بالمراع من المراك والمراك والمراك والمراك والمراك والمراك و

داصت تغسيب براكين احزن سندتم لما ذكا اورزاياء صبياك مزا ين وجودي عي مسفار شاد الي سفادن الديان كاريان كا الب رات فاب أن رسوله الدّ مل والمركز الدوائية والمركزة ومالكمية براه وصور عالم المعينة المارا وكورس بالقامل فتال قادوبان كا ولا الم موت جزاب بالرسدالان كداري رخال الرمراده مرساخ

وكيد يديد المال فالاحتال المرادة ويدوي احترار ساد و کار بی کم کردگت جول راحتوں سے مشاکل دار میں اس کگان ہر كوالم معارسة بي كو وصافران عن الحال برجول الدود عن برجي جي معن است いんかんかいいことにいるこうなったから

2446

مغرش الإماد الدي خفروي في رانة الدَّحنية طامت كا عاش أيست كس تصادر فرق دردي بينة من الأكريس الركوطرات مي المدرقام ماسل شا.

ودين كما كان جائتي جب امنين (مركا وَمِنَّ لف جداً وَمُنَّ كالدي حفر در ك إلى المراده الما يام يرب والدائع عن المن ف الصناد وي وراره الرائ كريم الدكون كراسان إلى عدان سوراده مرواى في どんしんのでい カンドレンニット いかいんこいんきょ الماع كالاراء وبادى مناق وكراك الرسكسا فلا فراقية كالدجى وشتدا حدون إيزيد عة الأطبيرك زارت كريف كا وكالمهاف ان كامراه شت كى روب إيريد وحمد الدالي المريخي قوم روست ماسالما وكانان كام خوع كردارا تدكاس كالكتريب مد فرب برا ادرارس فر

است قالد يكيناك فابت والسين منوم مها بابنية كرهم إيزيدست ممكام م. しこうかられいからところのうなんいいとと كاوم بى جى قريدان فرائى سە تعروراد كان برايادان سىخلىك نافر صورت الزيد كاساعة ميشرش سا بش الى دى ريال محسارك رودا يزدر في وساته وهان ق س كه إحرار مناس لاس الدوكها در ﴿ إِلَّ الْمُسْتَدَالِيتَ إِنْهُونِ مِن مِنْدَىٰ كُونِ ثَالُابِتِ.

فالمراع كالدام بمستمدة شعيرت إنتون ادراس كالهذا ورد كا حاص م ي وفي من الب مكر مل قد يرنو اللا اب داب ملا میت می روام برگی سے اس کے ایدا صادرالد شاہد می متم بر ك الدوب يلى ما درادى شالداك السدال عد الما الم كيا المان كوره شاك المن المان المن المان المان المرادي كام تعليط و قالم سنة كالرست كالمن موس من قاجر ب معالمه كم مع بنان اور موروض ك طود و ي كاري الله ي د ياري المراك و ياك و يا العرائع للمالك فالمادي والارتبار والمراب الالالماليكومان بالميد وكالمال الالالمال كالريمال ing the standard of course in the

عبدوق عن المدوم مي توكل برى وب المرودوين ك إلى عناي و أكرب مدون كورخ فيون كا يك عيل جران ا ورائق سفاع فين كالنيل اسى وتست ها بدان کامزاب جایت میدکدان جسال برکونات.

مرت الرقاب علين المين وي الأعلى فالمان كردال تي شاكا

سرار برواب به باشده آهی به ای ده داده داد سد سرارگرایی نیختر میزد: او بروان کارمرای بو بدو به باکا اینکده نام. وی را در سعید بروان سرارگراید کار این ده شده بروان نام. مراکه در شده بازی سرارگراید کار این مدان این میزد این سرارگراید داد در این داشته در شدن نام بروان که دو سداده میزد این میزد میزان که در میزان کار این میزد میزان که در میزان که دو سداده میزان و میزود میزان که در که در که در که در که در میزان که در میزان که در میزان که در میزان که در که در میزان که در میزان

حوید او ایس وی در دو این طبیقی که بست بیده کریسد دی و با ایسان بید و کریسد وی احتیا بر تی را بی بیدند کوریس که ایسان و ایسان بیده ایسان بیده ایسان بیده ایسان بیده ایسان بیده ایسان بیده ایسان بید بیده شده این که در ایسان بیده ایسان

المناسبة ال

را بست مست دمایت که در میزندگان آن کسر در میزند داد. در میکند به میرانات که در کسر برای موضی این کامیست میز دا در این و میسک در میران کسر میزند میزندگان این میران که در است با در این این این این کامیسک میزند شده این میزند میزند میزند میزندگان میزندگان میزندگان میزند میزند. شده این میزندگان میزندگان میزندگان میزندگان میزندگان نیسان کرد و میزند میزند در این میزندگان که در میکندسیت در میزندگان این میزندگان میزندگان این میزندگان میزندگان میزندگان میزندگان

حرات الإنسان كما الكان وولكسنت العالم المنافعة المنافعة المنافعة الكان والمنافعة الكان والمنافعة الكان والمنافعة المنافعة المناف

ک دوبری نامل به گلید به در یکی نیام دوبارهٔ طبید تریف دو وحت و دهگروی چه سبب می ما و احراب می تا این می مواند به این می موارد بیدا و میدوش به بیشند از می مواند به بیشند و مواند که می و این مواند و این است نیافت که این ما این است که این می مهمی بیشند که این می مواند که میشند که در در این مواند و این می مواند که می مواند و این می مواند بیشند که در می مواند این می مواند بیشند که در می مواند بیشند می مواند می

ند توارا بی سفران بی می دادند. می در نسخت نیمار می دادند نیمار می دادند. وی در باید میزان که دادند که دادند سید نیمار بر می دادند که دادند. به می دادند می دادند که دادند و این می دادند. به می دادند که می دادند می دادند می می دادند. می می دادند که دادند که دادند. که در دادند این دادند و با میدان می می دادند. می می این انداز دادند که ادادن بداد.

غیده ندیده به دواس و با است میزد و تشاکانهٔ خال بیشک و می تریندا کامیده کامیده به است می تواند کامیده کامیده مدالل با شنیع مینی سید میشکند به می تواند به بیشترین با می تاکند به می تاکند به است می تاکند به می تاکند و می در است چند این سینیک کون و چیاب داکرانی میزان می تاکند می تاکند به می تاکند به می تاکند به می تاکند به می تاکن در است می تاکند با می تاکند به می تاکند

د حرات من المنافظة ا ولا من من من المنافظة ولا من من المنافظة ا منافظة المنافظة الم

انشن سے والما اس کا جائب اختال میں جا پہنے ہوا سول ہیں۔ (میرسند) دول ہی۔ اس میروز بر میزوائٹ والماراکر منتقل میں جا بنائیسے و فوٹسسنتی میرکوایات اور مرسر تربیدی کانشنی مؤدست میں مالک و جان کارسائٹ کسیک کیا آتا اداراک

حریت بوشس نے فارغ کی سے دلا۔ و اور پید کا اور کی کستان میں اور اور کی کیکس میں بری سنتا کا و اور پید نام الحکام کا کا میں میں کا اور کا اور کا کا کا اور کا کہ کا اور کا ک چند کا اور این کا میں تعداد میں میں کسیار کیا ہے کہ کا اور اور کیا ہے کہ اور اور کیا ہے۔ جن اور اور کا کسیار تعداد میں میں کسیار کیا ہے کہ اور اور کا اور اور کا اور اور کا اور اور کا کے اور اور کا اور

امنان شونند سه چه است شد. مورند او حداث اوران یک بن جال دی اداره بد داشته با کسیدن مرکب استران بدر این داشک کودیک بس به مهان دیگر کسی وم یکرد برگزاددی

کے منعظمان بھاری دیتے ہی جوزت میڈ نہادی دی اللہ عند میں سے فریست فریست ادست وجوزت ان سے جون کی۔ دست انتخابات قبل ہے جوست ودون میں مالیٹ کا ا

حوت میزاند وادا عوزید اوسیافت ایکسیاب می گفتایی ب به دارد نکا در حرشه به که از وجرت سه دیگه داشاند بهوسیای ایا ای بربر باساله کن بست طرهی ای کاراند و ترکت و برند برا

وسته ۱۰ جب مورت بینهٔ مرکبر کومیسه ۱۲ بست کردگذار این دشت میرسد مانفرست وال یک دواری میکند بیان مکسر کومیس میرسفداند شانی سد در نگاردادیکش و این کامیروانی کامیت در در ایر کسر میزاندیک

ه گل ادرهیدی و میرسی فرقای گی شدن دواره یک مانوم کی . حریت بهای میران میرسیده برای میرسید از اس میران افزار میراند از شده در میرت میران کام در خواب را میراند از این را میراند کی معرفتها انتخاب عمر خطای انتخابی کار در در دادار برای در در در در میراند از این میراند و از در در در میراند

احتی برازادت دانشان در کسید ایرانش های دارمان درخ به بدیگا در او که بردایم بردایم در است مداخت ایران شا را برداید نیستر دشت کمد منظره مریست کاردای و مازای ایران با در ایران بست قام مرخ ارداد و کلید حضرت موزای در ایران کسر میشداید دانوایی و می ایران میشد می میشد. ما میسید موزای موزای نوم به داد و میشوم ادارم ایران کاردان شاد میدند.

ها حدید مورسی کار بر نیزادی خوجهاند برگیا ایک وقیت کارند شد. برا و خودهایش که صدید و از می میداندی گاه درگذارش میزاد خودمی برای ایران براید برای می سازگذارش و میداندی میزادش میزادش میزادش برای میزادش میزادش میزادش میزادش میزادش میزادش میزا میداندی کار ایران کسیم ایل برخی آودید شدند بشد آن که برای کرد امرزش میزاد

خاصق المحاج عرض حارد مونت بدره كما المحاج الدكماء عرف من كامح كامل كرد الجديث الاعاج الدراء حونت جذره كامل كار خاصق الكاملة العامل المعاجة المستنف المراد على العامد العاملة المراد الكاملة المستنف المعاجة المحاجة ا

حوث میزد کاری گرداخ آبی گیدادد سے ایریندانشد خدہ ایر میمان بود بعد این کیریک آباد اسٹ ان میرین کاری کاری کاری بری وکرسال پر دادم می افزار کیری برسوت میزد ایرین سائل خدم ایک شد ایرین میرین کاری بار میشوند شده میرون سائل المستاری کارین میرین مرزی کیرین کاری کارین کارید بازی کارون میرین میرین کرونزی شده با ایک بسید مرزی کے کاری میرین کردیا ہے کا میرین کورین کرونزی شده با ایک بسید

ئے اور موسین کارائی بار خوند شدان موقع بست کا بالدندان یا این واقعاتی مرائیل کے کا کہ واد ماک برای کا برای برای بالان برای بالان بسید میں اور ایس بالان بسید کے الان بسید میں اور اس برای ایک دو کا موزی کردیا گیا ما اس کا موقعہ شدان بالدی برای اداری اس اور ایس کا موالی کا اس کا برای اس کا مو برای میں کا موزی کا روزی کا موالی کا موزی کا موالی کا استان کا موالی کا استان کا موالی کا استان کا موالی کا ا

مردان خدا

اس موسیده بی میشین کی دور اند طویه برای بی ایم در مذک کے ادوم بدور انداز استان استان با ایک در انداز کی در انداز انداز

هاسده فرود که ام ایران کدک برسه بسیاست والیدند. باد و این کار ایران می کاردن بازی آن به بر کسک با بدید بای اداری بای اداری می در ایران بای دادی در ایران فریسای کاردند بر کارون فی ترون کی ترون ایران می ترون می تر

تعاكره والكروقت إيداورج والباسال فاجركون ومغول سفرخ كاشتث اعت ميوا مال شالد الصور ع مي المورد الديم الأي الدر الوارد و بالدواي الإوث indire store in he Suntate Stands do to provide a confort Water & District and a page التمي موم منا باسط رمرانك والدر الدري من قدار روال كرما ت

ب كرمال لاسك والا على عدالة بصادر مرا يه عرد الكمار احمال ك ك يراد الله المراديميد ويدار المراكب المراكب المراكبة المراكبة المراكبة ييسي يسن كراد خود وقد بركيا راحتون سف ميرا باطن ويجدا أود فرايا ٥

اے وزند داندن کا مرابعت ے اس سے زاددنت بنی بدل موب ے وابت کون ای فائل کا در کھیں اور میں اس اسالان سے بیرواز س بنيال فيرك ميذكر وي دواش والناست ادراس كاديمه و ومع دواف فيالي

الك مراد خال كى بدي عداي من كل كلا المت ما يستدكر الدُندال ك بذكر المساور اسادرات البسه المهني مؤلوس مون فدت دريقال كالنبث

باركاد الني كاقرب حزت الإصافقون حالنا وعذالك طركا المن سندع والسف بالاحارث الشائك

الزيد درسيد عدال عد كارشاد بصاري بالالوالي كارب بدلك كداه سد طالة فادملز كالماست شاك فوت عاقد

إساع براسال بالدوق ادابرياس سزقا احتدث ليت والأاب والحن الميد المار والمن المدين المدين المدين المدين الماري الماري الماري المدين المدين المدين المدين المدين الم المؤل حقاسي دعث قال لجاستُ العدودان ميان جريق لثابت (وَبِ الدي الدين الدينة عِنْ

نے بدان کات پی ہی تھے منتوب وساتا ب کردیا بھٹای در گارسف کے لیدیپ 11年以前人生工人也不過少工場方向

ميد رون كارا شخصت مردمول. پەسەسىرى چەرىيىسىسىرى مېيەد. ئايار دېسامىي باياني مىلداس دىشت بەسمان ادد كەندى كارتى كايپ بايو

مي كرن الله كانت الدوت الى معديد المد ستاجه مد براد وبيد الله ماسل برك از ده تشترمان الهرم باق بعد وكيراين دادت المتيار وكدو باداخية الم الم المالية المالية المالية المالية

بيناشالي

لكيدويش وياسة وميدي ألوكيا ووو تريامين وإنا مقاركمي تضويد فاكتاب يت اس المال كالقرسة وكالدكا.

الرتها يرأمي كسي تمنى كالملك جولتين ثكال عنك

درواني سفرج إسروا يتين. المتن مذكف كالم القيم المعطير وران خطاب وارجش

ال في وداده إيا أوسرط بي اور ورون نے جانب وارم ارسام جاہد وی ماسا ہوں ۔ مادبال

العدون أوحزه ونداديا أوسيضر شرمزت محامي المكافئة مت مي ماحر وسدة وراح مال الدماف مان من حرف مائ كال الكرون فا

الله والآن مشارين المفرد لبنادي شفر المد تتم مكارم في شفر الله وما مودع كروى جن إلا عزه لبناء كالمفي في مارا موت عامل أهل كالمستعرض الدخئ ثنان دارنها. و المرياب أناكر كراد عن كار ساكا تعدك المي مريون سا

من مال سال يدين من من يدك الدارم و كورد المراد الم مارث فاوف المرمز لكودوا المسامر وورسان برر مرودل عدون كيا والحراك ادرم استعفوى ادليات كلم ادر المورات ي عديد ي والمران و كالدار وكالمارة مرت ماس من ولا في س ركانا كاك وارومين شاهد ميدا س مشاجه ومبارض ادراس كادل وميرجي استؤق دكيتنا جرن نكين استصاليبا كيرناكرن

والمياس وع على ول كرك إلى اوج ال كالتادوكرول الشاريد. الاركة وران اكر المانس والديث وواري فارت و وارت كرا الا الماك وتات والأناف المكاومان والدمائد والاتكال المان الانتوالية الدواسول لايرون ادريوال من فدال كما في التال كالم والمراكم بدي Shot dishort one goding London - your بعدد الكودام والمراح والنب المروسة بي منت في كالا فلوا كد كوا

اسديني التيرير شيتنا داحق يقاكين جكريراض اين قب كستارة چ عزل اورگراه چی چی اثبر وزیری کی جری ج جوان مردكون ہے حنزت الإمالي من عديان فشاء دحة التُّعظيم الابرطاء الاسلوات المافيّة

losery and the standown get نينادي مزجرة كالرسه والمات وال وزعام اللي تخفي تعاجى for in a 1 dec. of it is were played with services است فري وال مرون كياسته かしていりとなりとというといういりというととう

-3600-12000 Nave 二大いのはんだけられているとのいいちゃんとい

ادرائياسالارك مايداحي عدانى والك . مذا عدم مراح بون المان بالى يى سىيت ئەربىلى يىلىدى دىلىدى يالىدىدى يىلىدى دىلىدى دىلىدى دىلىدى دىلىدى دىلىدى دىلىدى دىلىدى دىلىدى دىلى

يوي و اليدوي يوي مد برا م الكرم الا ما الكرم الا 100018618 عارت بده كروب شي بن مغورها ن است غيرمال يرجروي خاص معت الدهيد عد اليده و مراد حزر منيد دندادي رعة الدُّ الديك إس تست قرام أن خلالما كي آشير-

منى سفادان كيا مُرَثْد كاحبت بي دبيت كريد. حفرت مینوا سفرونا کے دیاان کی صحبت درکار بنی کوکھ حجرت کے سیان صت بابية عبدات أنت مت مويث كوك أوا بدام كا بيست ترسف إلى بن عباراً متوی داد اشطیداد حروم و فای دعران بسید مک اندهست کار ص برمضور خراب وليا ين ابرق الدموق الشان كامنات مي الداف ان

كساقاى دقت داست ي مساكم دوبها خاسه كربهم يال كسكاى كامنات تاجواتي: حزت جنيشة وفاي اسدمفود إجائ ادروين كايران خاف كلب اس لي كرية فرون برق موسوم ويده كرون الا الدُّون في ساف ما بر الدوسين

الذان كامنت ادراس كما مشاب من كرخت مائ مني سبته ادر استاخورا ي ف ترسالام جاست افرست أوساده من اتي ديجي اي .

ومشوده كارت بنت كاحر ومث عكام الخليل سفامونيك فأرام سكرما تروخمى

الاعادي اددم ركب كالديث منها فيك دريث بركا توحزت أوى احزت وثا الدمور عاد الروك والدك وال فلوري الم والله الل وقت عام اللورك كالربية وتأثيثون كاجاه تشبهت أكرامها لوطين الانكداش كالحم وسعدي OV いとはんかんかかんのかんのかんとれんと しゃつしゃ いっこんいしんいしゃんじん خلید خد شدریش جرت می ملام النیل کاستارشات براسی وقت سب کاگفتا

اللا الم وعدما وأرقاد والكا كالمراد عدادب عصاصة والمقرار في المعالمان ووزيدي مدى عدال المان والم فرو فراد کا زوی آسکار سب الکور سف اس برمران که احداد کمار ما او سف کها استعلى مرواح توارالين ميش كراست فمين كالماستة ادرقوام كسلط

- Sivingustacinsti وخرت الذى في ولا المثيب كمة مركن مراحدة الأرين بعد وناين ب عنداد المديد والمنابع من والما والله عاد الما كالمام والمام المام الما المان مانون دون كون كوليد ونك ونا وسان ب الاسك برادمال عيس عايك وناخوت كالبصادرا فت ويت ك روت فوت

. كىكى مەلكى بالكونى ب عيت كوميساس معايف كاخريدني ووه ان كالبيت كى زى اور كلام كى بارى برابيام رشدنده مراكراتي وشتر تامد كربسواكر امي ان كرماط م راتك يما اس دقت دین باش اب میاس بن ال قصر تعید نے ان کے احلی کتیتی وليدن في المن المروي وروي والله عن المن الما الما الما المرود والمراد المراد ال

" : معزبت الإخمان مؤلى رحة الشرط، كى مكايت مريست كرامغورسته اسيف البشائي المال مي جي سأل كمد جنجول بيريان الخرونشي اختار كالركس اشان كاسا بي يمد و وكل بال كاس كر دامنت والشنب سه الري يزاني اور الخون ك الدوائل ك بس سال ك عدامت وطوت لا مزال برا لدارة تنال ف مزا و كالدارك

لك مذا الواكد تم وكل س الدوك في عد وكند من جلاد جول . إنذا مري جرارة كام في طويت كام انتشابي سيداد د متاري ج ان مرى يا فن جي مستشت ك

-4000

ما تدمو والديكر احزار الدين والي خال كيا ميرت الدمس ست يت المرابع كالمرك المالي المرابع بريا فالاروان المرابع ووسيان كم خومة م كي المرك الدان كان مال ي المان كان كان منزيومي محالد وزالي وت كساان كرمر ركد د شاروما Burkersta verile or Later in 100 set

المها والمعالم المالية المراوكياكوا والديوراي كون كا الإخان دائد المدخير الدواؤ عام أن الماكم الدوم أن كا آخت كا كامارًا - 476/2/200-15/2019/5/

فام مقافح كمام خاد المارات كمام وميوثي ومروق كالبركوا تربيت we colfored to the present المثاكة ت كروايد حغرت إيدابياى دعة الأعليك كهب كابت بصدده منؤك المال تصلا

الكرام مويد كان ما فاعداد عد المراح الما من يدار الم المفاق المارية المرافع المارية والمارية والمرافع المرافع المرا معزت إلادنساكا دعة الأدنب شاواب كعار

Sand con we hat hope and it wis. فوسان فاش ادروال سباكي خاسة ادريم محاس كا باس ونظر را はあんうくかかとからないいのはなかんからい troughte Lordon Sond warmen

ے جاکے تلوم کا کا افت در مے اور ما حق بوش وہ با ہے جوش میں سب مرحق مي دوين ك قير اكريكام هان الدودمرس كايمها والعنوان

فلا المدودة الا الا المنتوك إلى الدوائك كا القرال المداك ب وكا روي دروان المناوان كالم والمان كالتراجد

re bolistova con book as Lay امثل بندنزال بيناوت كين بيدع

And the second of the second o

گذری که گرفت کریسی می مانده کنند. * از زیاحت اس ایری حداد از ایری میداد که میری به داداشد بد به نیما از این حداد به این بدارک که میران بازاد * از زیاحت اس ایری حداد این به که که در میرین بده. * اگران به می ما در نیم و این در میرین بده. * اگران به می ماند میرین به میرین به که در میرین بده.

المساهدة المستقدات ا المستقدات الم

ا في سارك عرفي المورك إلى وطرف المنافعة الموقع المواقع المواقع المستوان المنافع المستوان المنافعة المنافعة المن ولي مواقعة والأكان المنافعة ا والمنافعة المنافعة الم

All the second of the second o

س نے کہ مورود کا وروش خواجی جا الحاصی کا کی حشرید ۔ میں نے کہ میں کر میں کا میں میں میں میں کا میں اور ایس کی اور اطاق در باتوں کی خوصت میں کھر درائیں ہیں جائیں کی اخریت اور اور اسان در باتوں کی خوصت میں کھر درائیں ہیں ہے۔

اب خدشتا قرائب بندوري بوني ادرسوره فشريعالها راداً ثبان سفاتي وتستاب في كالمالير وكا "است باغراشادت الدوكي يرموا لكردا بسبارية.

ماسب خامين كالمراهر فكالمان بالماس بسيدكوا الم المثالات Addingaladio bonder a heopod

من عَفِظ كُونُكُ مِي الشُّرْقا السف وين كدن.

البعث الماء المديدة ووفاى الماجدة ولا كالدي المالي الكادول ك بالمريك في الكافرون الكروب من ي المالية اى دفت يردان الحابارى بداكراس بدعد عداد كرايد مثان تريدان

المان قالم الله ما عالم المال المال المال المالك المالك : 8000 3/218212 2000 معزت دای اق جویری از دارته می از میں نے معزیت اور وار درخوں سے دِ جا کر

فالما وتبك اشال كينيت كيب احرب شكاء " مِن الكِسِرِين مِرْض الصِين كَلَ مُراتِ عَلِياتِي عِن مِن عَلَيْهِ مِن كُسِيدُ مِنْ

عرا مع المالي مع المعالم المعا كروسدودن الأقافا كالداناويرسدون بالبراساكر استان بارال بالأرارة بي الرج النب كرد الدي الاكتراكات الله المداري المدون المد موالا في المدور عدا المدور عداد المول عن المدور ادك المادال المربار أدر الله الله المربان من عضور على الماد تحاك أن سال من مرك العان سب سكسا عدادت ما وكرة الدوا ادراء ي نزكتانا اود فيذيثر برجام بين كارون سناس مينسيد، مثنا دادس كارترو وخروش ل تقرب ادف كلان كدواس وشد كالديور إحب كالديكر كالروالي في الروات النوالي في المادي المالي المالي المالي

54. Jan 6. 40, 2 41, 12 25, 18 54 65 - 6.5 2. ستاكها كوافق كمنا الدرجي كل الرمقت في آكادراس مي سيدهون ساكمان ميدد . Was in 18 2 1/6 2 - C 1/6 , shi こんけいはないいけはいれるのでんどはいから

ميمونك كت بن كركيب ون الوالمن فدى رحة الدُّحلية ثباني بن مشابات

ورع المراد المرا Landerme to of intract المستخالة وور المرادية ما و المروس من من المروس المرود والمرود والمرود

في الله الم الدارة الماست من عن الرواق عد في الرواق عدم الما الم diwerpesturationes sens wisio مدفون كم منت مي مي و سدمون كا عدا مي بدعوات مؤام ميال مي とうしょうしんこういんとんというかんしんしんかんしょうしゃしん ستكوام فالمنادي فلنت وتنقيم والإقسين باست بالمناب المساوية

((مليكيم) بل ان مبازنون والأطروب للاست وكالرياب manymented and what he wage heine ويعالي المرابع مدراها عاماده بالمراه المردان والمات المات المات المات ing Lorda in a done se to harde it شرىدى الدعي غويولى باس عدف كالداس كالعطف معافل برياد بريدك عرب مالت وكاكده جدوث من مشوق بركو بكرون

Buis Burgay bearing

فيويكن والبيد.

عطقف

14/16

اب كور هامرا ساك كالثارة فالدور كالرصف كيا مرصفان كاو قلوت عبد طلاستين مان كالشبيدي ممين ويعنود ويتانط طركان الدويمين على على من قام وي المان من المان المن على المان كافرى عاشك بدان كاس الاصورة والا است امام اطاعت مى تعييد ماليس بين الركاع بي تعيدان كمان بي

الني وزي ال يد كاما يا سي كار من وروات كري و

لا كالى في عدد الله مد الله من مواد عاد مدد مريدل كالداروك المرك الدال

12/10/14/2 الماس والمفرة كالملاح مراوا فازست مامل مايت مستناه المارية المناكانة عالمة الاعراد الامراكا drainfelowal تى الواقام بياد مودى مدارت كريت اي كرا صفى مندوا يا " يوساء النوي كراني لكل

and interest of the Lord of war grant of الانا الكلاد من عاد و المعالمة المالانا it to tad i was the got to when the on

محارث تحاول طبيال المرق الإحزاث جذا ليذاول دعن الأطبيسيكواني مداح يهجأ ي عد المان ا الركة منترية كاجلاك عربدا لوس مصيل مرسدل يرينس كالون س

Souther Lepholosof Lopion Allen where are and white and Lord المايرناش ارتداله كل مع يها بالكياس وقت بي سفكا. كعد فنواج والمسقاء في والمستعدد المستان على والمدين

اب خارازه کرمیزے پر برگزدناکیا موسعی عربی مدی جسالامیان سے جمع میں مذی توسعی اگر پر زودی سے مثل بند 2 میام بی متریک اگر امریکس کی درست آور واثر نکل یک وال میامین

اثبات روایت

است او برداده و من خلب وای فرانده انسان موساطه است می اسبان فی است. وای او پایست که این را دارد و با برداد و این برایست این آن و برداد داند. وای و پایست که این سرت برای از دارد برای در برداد و برای در تند برای برداد ب

بر فروش اس بان از و خاسک هم سه اللب و باری نر براز ای نوی سه دالا سه و مرکزت کر باری بردا صب برد نر ان جماعات او ان بول در شد مادر کردنگ دیا عمد کا

رون او شاق ما الدون مثل کی. حزید از در در این در در دان طریعت این . اکلید و قرر دارد ساید به این اگریمتر می ادارد انتری کلید وال دیگر سے میں اکلید و قرر دارد ساید کی دارد سے آلاد دونر برا دیسے میں ا

ئے ہوئے۔ آئے۔ ایور انجام فرسائیا ہے ان کارائی بھی موٹر داران کے بریائی۔ کارٹھ موٹر انداز ایک افاق دو جھی ماہ فرداران کے انداز کی بھی اوارائیک مکن در باری انداز ایک افاق دو جھی مدست کسائی موٹر دائیں۔ مکن در باری انداز اندا

ستاگا جان. اس دشتری سندها برخرسیده و میرسد دل کواکمودگای ما ارجمیت کافراند ادر این کام این میرسد بیده این میرکد. میرسندان سستان کاما سنده این کام ساید با بیدا دارس باس هنام و دلواسینی، جست کمیرون میران میران کام میرسیدی. ر برای هم این میداند برای به افزان الب بده دارا و برای این بیشته با برای می این با بیشته با بیشته با بیشته با همه این می هم این می این م می می این می می می این این می ای

را نور کانون و کانون و کانون خاصصه بها. و همان چه این خوب داری افزار کارون میشوند نده دادی کاروند دران کانده داد خانده این دران کارون دران کانون دادی دادی در سرب را برای داد.

آست دیاری با پیرانش بودگرگی نید شد مواندی میکیدیدنید کار واقد مرتبال حداثی بیرانی داکدیری میزاندی کار بیدان بیده و تواندیکی بدو تواندی بر مواندید می این از میکاری در این بیرانی بیرانی میکاردید میکاردید و بیداندی با در این این این این میکاردید میکیدید بر این میکاردید میکاردید میکاردید میکاردید میکاردید این میکاردید میکاردید میکاردید میکاردید میکاردید می بیدر بازمدید شدادی میکاردید م

ی باشده بسند این متن کاری طوله اندیان او سند ادارند. «میدست که از اسد ایری برا کریک داند اداری کا طرف برد و بردی به اوازید آن از کشد کرد دست تر است کم کهام اواز آن میکانگه این کدو کرد موروزی برای موسائل کم که از کیست کان این کارشان کاران که این که داری خود برای میداند.

حنوث أدامنو مودي وقادة عيدولت بي " من مذاب شم كان منا برداد شريطا ري أداد ينصلي جا-محتى يدود يركيعه حاصل برا واحتى مذاب وا تحتى يدود يركيعه حاصل برا واحتى مذاب والم

مودن بها به بار مودن رون المنطق المنطق به باید من المناسبات و امودن آن با الت و است مسابق المرافق و مناسبات و التا بدندان بها ما المواد الموادن المناطق و التواد المناسبات المدت المنطق المناسبات المناسبات المناسبات والمناسبات المناسبات المناسبات المناسبات المناسبات المنابع المناسبات والمناسبات المناسبات ا

ماريوم ميري بيد دي اي موت لا من الام سد التدويا لهذا ويا الماسطة الميان المام المام الميان المام المام المام ا الام مان خورت في من المام المام الميام الميام الميام الميام الميام الميام المام الميام الميام الميام الميام ال

ف جويد مت كامت رك في دار من المراه الرسوة والزب كور شادت ك which is house a place of a color in the Northern ف الدسال كرم يال كري ومان ووكن بالكسدم اس المال والدور علال مرك البعث من اليها والما تعاميل وه كواد من أربي من عشر ما الدوب بيط Locion Lorder of on Lunger the the district

عبر؟ جرف يريك في طبرون كريك برهنان كاس بر الشاق بسك الأمثان محبره وكريني للراجعا خال إاس تتمريك اليحافال باس كالركدادي بست رساخال اس いからはんとっといんしいとしいればんのといういってん بالاس مراع المراع شاه الدرود كراسه ين ال المراج الى الريال الكاعي الايرقاس كالهابي يتضدان كالرسى فريس موركس الموال المطارخ سفدى بدائز تدوي وقال تك المرائدة الا الا الا المرائدة الا المرائدة کے بال دور بری بانب دور ایال اس کے ماقد ماقد بات کا دورا بری بانب کویٹ order in a solin the maintening Sound جاس ك وحداك قبل وكراس الله المصاري من المال و والمراس الله المراس - W. Surell & for your view who doing of - Lip الله المشركة والاست كريم الدوهان والى فدر بالمايت كرفالات پهنيوچنا ، شنږ د ځان اود که اسني چنا . اين پات کان کار تر دان کاي.

لكي دن مخريت داسك رحمدًا المقطير ونياسته الينتاكم برسف كرد فإجرا دستقريرة عقبات في تك راس وتت احداد المار الدينا. عجن في الميطاني كرونيات الك كراياء بدم يستديك وتها كاستا وإندان ابت it is for in it with the companies of the وخالف ندي جا الد مادات إكو كوميت برو الخرار المعزاف الي داران ما الما الله . J. St. A. D. L. O. KURN وسرت دانا على بجروى وحدّ التصويرة إستدائيك بي سنداستان الم إبرات م المريد

دهرة الدّخير مصدات مثرا مثوب شد طراق مشعان کا شِرَاقُ مال عدا فسيَّكَ الرّ الكيدود في اليد يقوى مزرسة بالقام في كالمراد عدم مقر الحالظا كا ودرى بالمرجعة المالان كالكرون بالمكار المعالى المعالى إدى اجبراك كافت اعقاده الكامورك شالمي تقرع والدواع

معترمت مانا الخاجج بين دامة الشرطبي المسقيلين كوخرا حبرا الم طرامي سفسينس المين المداس يراف ياكون كوقادد فروك يدفون كرولك و Stazed in flore in And with sold in كالن المراجعة الدينة الى وقت يردون برقاء المزل في و المراجعة الدرزي اصلى المناه شال أو دواس والت النينة أنسب فا شر محصا وران كا ول المع خالك من المرود الذي وي الديك والا كالمدود الماك

ماسب خفياب وماء استاماهم إدناس تماثب كالتأخروب خاداتها الماكسلام وقراس عوس موس مغرشا بالبيم فالن دارة أو هيد ولاق بي كر الصراب كما الناوش يقربها 海山のからこのごりのではからしていんでんだい

ب ميد كيساق ما كرية بدارات ون ادربات ماقي الرائني أو بين 1826/2014 1-25-1/264. اسابريس والماك الأدوى واستاب كولات كراك كاركت با ما ای شد می کاف کے صور اس کاف کے سواکی بارہ الارسان رہا ، صورت براج والقيماري في بيام وي يرك الدناك المعادك الماني

عزت ارابيم ف عده ت مراها الاكب الشت مي دوروايان ادر دوكان مد برای دری کاری از در در داری سواد کون دار ای کارکاستان با Plus Longede Silvipal Chullonia L+ ي بي من المراكد من الدي الذي والت وكان.

ي خارا در منوانين كراب (ود آن هنان اوی بندار د گون كران دوم الإستاريد كركوا إست راسب سنديس كرزين يرركها ادركيده ما الكي داس وقت الب هشت ودارم جن مي المديد الله المراك كان في مي اللي يرف مد م كا العداد الده فالم موكرة بين احمال سنده المندموكية مي مند استعاث سنة كالرميد . مي

الازلة المراك المراك والرابع الاي الاي كالماست. الشبيل للالكابل المهيستيك اے اور والے کیا ہے۔ ان کے کامی شرکان کا ماميد شكم إذ قرا ما كادو كابت

میں ان کا راس سے کو ہم اس کے اول منی ہو اور میں تھا رسے تیل سے منی ہے مياسدد يرافت والعالم الداع كاست را وكالعالم وكاست ٧١ وي ما ويون الدار مون كان الدي والتي يون

رامب نے کارکھا بنے اور وہ برای کا بات سے پیکے فریرے اساس قبل which continues of the property of the المناسة وعياده كيسا اسب عاب ولماس شاكراى من يد عرب الكرواقا عرب

مونا قداد والى سه وي د مز د كما منا اود و ما الى الى كراس خدا دارون كد مالانتهام علي الدرواكية بعب والأميد ودرول الدوركاك والديد الدائرا براج ترادل بدقروورو في الادوكان بالمناور و عبيان في المر الماليان والمستكرم والمدام المراجم في المن المكالم المدوم المروي الس

شا كالريت مدتام إلى من وباحث كاس بدالمان بدالكان بالكوالاوك إن

در بدنی او بی آن میدگیری میزدی کرد. ایران در اروان میزدی میزدی برای میکنیدی بردن فراند. میزدی ایران میزدی میزدی میزدی میزدی میزدی میزدید. میزدی برای ایران میزدی میزد میزدی می

در کرده این از این همی در این می کند از که می می به این بست به این به ا

گرق بازا: گاه مواند می کمان دقت ده چرچاند مواندان تا تا به به بازاد مواندان تا تا به به به بازاد مواندان تا تا به به میگاه در بست میکاری می این به مانی ها کن می داد. در اندازی آن در دوری شدید سازان هواندان میکارد به این میکارد و میرسد به مان امراد بازاد شدندان میکارد این امراد میکارد با میکارد شدندان میکارد با میکارد و میرسد

الدوانو فا مجازی کے اور دست در اور دکاناً کی۔ است المادی کے کہدا ہو اور است کے کاناکی چا اور ا اور الدوانو کو دور الرواز ہے ہی کہدد تھاں کیدوانو دور کا کی اور است کا مدد ہے کہ کاناکی کو سال کے دور الدوانو کے دوانو کا کہ اور کا اور میری کے اور الکانواک کو شد کے مدد ہم کا مواج کہا۔ کے سات کو اور دور الرواز کو الدوانو کہ ساتھ کہا گئے تھا ہو ہو کہا ہے۔ ر من میزوان با می واقع می این می می این در می می این می ای در می این می در می این می در می این می در می این می در می این می

مياديون مي الدولي المدان على المان المياديون الإدوليون المياديون الواليون المياديون الواليون المياديون الميادي المدين الجادي المدين المياديون الم

ام به آپ که امودنداست به ندستها داد که " حزیر انجامه سرارهای طویل می اما در انجام این است. حزیره آنجه این بردارهای می این به با بیدان به با بیدان به به است به است. شده کاری این مورسه اصل می این این احتیار می این است. د اشت که می این دو قریرت اکاله کاری و دی این سده اینکاری در داد که این این این سده اینکاری در داد که این این ا

خانسیده می سف ادریک میزدندگاری شدنسده کلید میتواندی از دورسدان دود به همی ادریکی میزدندگاری برای ایران به میزان کارد از جهای ایران به میزان به ایران به میزان به میزان به میزان به دوران بداری بیش بی میزاندید ایران با دریکی در ایران به سال با دریکی به ایران به بیدان به میزان به ایران به میزا بست ایران بیدان بیدان بیدان با دریکی با دریکی با دریکی ایران به میزان با دریکی ایران برای ایران با دریکی ایران میزان بیدان با دریکی ایران میزان بیدان با دریکی ایران میزان ایران ایران میزان با دریکی ایران میزان بیدان بیدان بیدان که دریکی ایران میزان که دریکی ایران میزان که دریکی ایران میزان بیدان که دریکی ایران میزان بیدان بیدان که دریکی ایران میزان که دریکی ایران که دریکی ایران میزان بیدان که دریکی دریکی ایران که دریکی دریکی

جوان برند نے دوائع میان فراست سال می ایچ کرک کمک بند کی است سال خوا کار ویاده شدا کا اس سال ما ای اکسان اگریش بینک در وجون تراست سیال میران کرداز انداز میران انداز و ایج در ایک ایک وهیچر فاد سک و ایست برند کیا انداز ترویش فران اید کار انداز و ایج دوائع تران که و چیز فاد سک و ایشت برند کیا انداز ترویش فران اید کار

نی کارم فارخشیده این به برای دارید شده میشدند ادر مترت ایم بره رخانشان ان مدار در برای را بر برای در این ان شوید برای برای در این در این برای در در این در در این در در این د در این به برای برای میشدند برای میشدند برای در این برای در این در این در این میشدند برای میشدند. میشدند به برای در این میشدند برای در این در ای

ی فازده گرد آن . دوان و کنگ در میداد تیمید به این بردان و کنگاهای کابلی شدند به اطوم کارگ - است با این به اگر این که میزاند به این که این که این که با این که این این که این که - این دوران که برداند شده که رکزی که این این که این این که ا

جيدا آن ڪاڪيت کي کون وا آنائن سان برناسک جرس ۾ ڪائن کاسک چينان برناسک سان سان کائن آن دنت برناسک شاچه کا فرون موج بوکرکاد ''ات بيک ايک ايک ايسکان سان کا

' اے بچاری فوار میکن ہے ؟ بچہ نے جاب وا حاسبری امریکان نے تم ہما حام انتخاب میرالیپ علی

گرفتات وکر کا گئے ہی گردہ است میان منز گئے ، جدنی بابت کرم رفالان اندیکٹریوں جرسے میں انبی بابت بول کر املی کاندہ بنوں ؟ ۔ انکیٹ عدیث امرائوش مستق عرب شاب مائوالا آنا کی حدی ڈاک والان

كاميت شخصت كياسيان ذا ده المداكان من يا تواني المراق المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة ا المنظمة المنظم

 $\begin{aligned} & p_i(x_i) \| p_i(x$

كياب الإصناء ما كماكنده فوت والمواق في الديندي في الارتباط في المدون المدون المدون المدون المدون المدون المدون عند من تعالى الإراق الشاكد على صداحة المركز المداكل المؤسلة المدون وارد المراق المدون المدون المدون المركز الم المدون الموال المدون المدون المدون المراقز المدون ال

است بست المدينة المراح المدينة المواقع المدينة المراح المدينة المحافظة المراحة المدينة المحافظة المواقع المدين المراح المتمارية إلى المدينة المواقعة المدينة المواقعة المدينة المدينة

احل مداول و کار سال می می بدید به می تاکه میرای والی ست نیاز جو است می در می ای دس ند میزند و با مدال که راست می بادید و ایرای ایران می می می می می در می ای دس ند میزند و ایران ایران که ایران می می می در ایران ایران می می ایران می می ایران ایرا طاب الآب رواد الراح المان المؤخل المنظمة المنافظ المداول المنافظ المن

مهین بیدستان مودن وی واقع میزوند نی کامان مرتبه بینام به احتشاط ماده آثان بی بینام مرتب بدر کام و کرار این او کشوری ایکسید بازار کامان بیشد بر مرتب میزون این این که میدان می امور میزون را این کامیسید این این ایک دارگذاری این میزون کمی در در این کام و این میزون میزون این کامی این میزون میزون این میزون کامی این میزون میزون وی وی در این در در این کمید در این میزون کمی این میزون کامی این کامی این میزون کامی این کمیدان میزون کامی این کمیدان میزون کامی این کمیدان کمی

در المراقع المساورية المساورية المراقع المساورية المراقع المساورية المساورية المراقع المساورية المساورية

به الاستخدام من المدينة من المدينة الموسنة الموالية المدينة ال من المدينة الم المدينة المدينة المدينة الموالية المدينة المدين در الدورات المساعدة المساعدة

ر الله المساورة الكرابية من سراي من والأطور بالكرابة إلى دنيان بما كليد من المعالية الما المعالية الما المعالية المعالية المعالية المعا المدون الكرابية الكرابية المعالية الم

وه برودنور دانجار بداند و الادادار و که داد بر ساله داد که این داد دانگاری و داد داد که این داد در کارک داد دا و این نود داد چند در بدر سه با سال این از در برود داد بدر داد و در داد داد طور بازار که شود که در بازار با می داد داد به بازار که در داد به بازار که در داد به بازار این داد به بازار که در داد به بازار

می سائنگ نے آئی ہی جائیت ۔ دانگا اداکا وکا میٹر برارا اس میٹر ہے حاصات وطرویا آن جائی میگا عیمان نے میں میں کیار اس خاص میٹر اس میں میڈورسٹ کی کا میٹر میں جب جائے ہے۔ میٹر کا می اور میں کہے آن سائن اس کے عجمہ کے سائنگ انتخاب ہے آن اس کا میٹر اس کے انسان کی میٹر کا کا کا میڈورک کا کا کا میڈورک کے انسان کی میٹر کے انسان کی انسان کی انسان کی انسان کے انسان کی انسان کے انسان کی انسان کے انسان کی میٹر کے انسان کی انسان کے انسان کی میٹر کی انسان کی انسان کی انسان کی انسان کی میٹر کی کا کا کا میڈورک کے انسان کی انسان کے انسان کی میٹر کے انسان کی انسان کی میٹر کے انسان کی میٹر کی میٹر کے انسان کی میٹر کی میٹر کی میٹر کی کا در اس کی میٹر کے انسان کی میٹر کی میٹر کی میٹر کی میٹر کی میٹر کی میٹر کی کا در اس کی میٹر کی میٹر کی کا در اس کی میٹر کی کا در اس کی میٹر کی کا در اس کی کارور کی کا در اس کی کا در اس کی کے دائی کی کارور کی کا در اس کی کارور کی کارور کی کی کارور کی کارور

ندري. منتوب ارفز ترسي حزت من بن حباط تون مسائر کو الديت احباط منزي ادرفز که ريت داريد من به تون که ان منکه من کوش دريد اور طراح به دران کامل کامل به دروفز و دادان که ان منظم الدور

عمیرت رون این اما در اما میران اما در این اما در اما داد و اما داد و اما در اما را اما در اما در اما در اما در در اما در در اما . .

ین ایت به داداریت به این آنون که بهای که داداری ک این که تاریخ این بین به داداری به داداری که داداری که داداری به داداری که داداری که داداری که داداری که داداری مین که که داداری که ایران که این به داداری که داداری آنون که داداری آنون کال که می کال که داداری که دادا

در المواقع المستقبان المواقع المدون المواقع ا

ر المراس المراس

صنده و که آم که درگذاری که داشد و کاران که بداری به درگذاری که در داد کاران که در آم که این برای در که در که د منابع می این میده شاید این میدان که در در این با در در این با در سروی با در در با با در سروی با در سروی به د

حوث وقائل بها ما وحال هو بزرانده بین که اید اید اه فر برسد ما توبه لیآنیا که این همای برس بدند کارام یکی برسد خانه این می کاری اید بین انتخابی است اید است که این انتخابی به می که ایست کمد شد که بین می که این می که این می که این می که این می که بین می که این می که این می که این می که این می که میران این می که این

ر و این منظمت این کار کاران به دومزند را کا کار برود و انزانده آن ایران کاون برای برای برای برای کارون به شده مین ساخته میشی دارد این که داده می ساخته میشی داده این ساخته ایران ساخته شد شده این منزکه کار داده این ساخته برای برای با در این میشی ایران میشی برای برای میشی برای میشی برای در در ایران و ایران برای برای برای میشی ایران برای در ایران برای میشی در ایران در ایران میشی برای در ایران برای در ایران در در ایران در در ایران در ایران در ایران در د

الدك ساخته فوا المامل شاخ بها كريسة الشاخ و المسافحة الم

ادا کو توسید معلوک می قاند به جدانا و قریم برای بخش که بیشانید: موت با بر درمین از طبیع دیدی بیشانی که بر برای د دالی جدت دست با همید که که این میراند بیشانی بیشانی که بر برای د دالی جدت دست داری میراند که داری میراند و والی میراند و میراند میراند میراند برای میراند می

ر مناسط منظ الدان الموجوعة من على خوالان موجوعة وجواجة منظ الواقعة والموجوعة المنظمة الموجوعة المنظمة الموجوعة الموجوعة المنظمة المنظ

' اے خال مری تفتاہ کوئی فریت ماست میں خالد کے این فردی سے کوئی مار کانے تقریش آئی ، بیٹان ویک کے ایمان تا جائیا :

عظ عرصي ال ما بها قان الواد بيان في مناطق عن منطوبينية ... الوان الأدارة المناد في زير إلقاد في الأولادي المناطقة عن مناسبة بالمناسبة ومست كا

وْمِدِمِينَ شِرِيشِيلَكَ : حزت ذالوق موى والتان طبيك كميد وحزت إيزولها كادان الأطير للنيات ك (ال عندان ك أساد يدمز جا و وواد ما يا الله الماسان مزت ایزیک دیا۔ S. F. S. W. W. C. S. حفزت ادام مخاص داندًالهُ عليه ستكسن خده عاد ايان ك معتبث كإسه إ ولالا مي الحال من والم المراد من و سائل كري ي و والما المود و المراد والمراد و المراد و المرا مريد الدوار والمرا الإدراك المات ك الدما عربواجال.

مرد الدار الدار الدار مدار ما المال من المال الم 少いかんのかいかいけんからずか مهدف ماین آگرمنزت دادان معری دحرات ملیرست ساداما تدعون کیا ، احت في والمرسور الإيدار خاك فرت بالقدالان يوما اخرت جند مبناه کاری: الله علیه کامندت میں اکیے مثمی نے ورفواست کا ۔ کچ

2014 44 - 100 100 100 100 - 100 - 100 ا اے جال مرہ اِ آم کیا ہے وہ ماہتے ہوئے عرص ُداؤے ہے اور ماہ کا اِس thousand have dated Alone visie or اساكت الياوت بين كااداب شارسه ساقة من يك رد كما من ي حزت

بشيا البائدي كرابري الباءشت محاكوالبنا كالمام ومي وأكمان واسلا يوابيني يسقف مرايا داد آيادي ان كالمبراغيمة عدا عداب اياداد الابدار في داري فيرب دوسيد المان ك. المرت أيزيد والشاعيد أيد ون ابط جرسه عن تحد المرست كاستكار

1445-84214 من نـ ديا- فرم ي الري كان دورايي ب اليديدال ووال المياوات ي كوليدووايل كومي أياء وه فالمركب ماسط كارسال كارس والدرياك المراس من مذكوك الما يا والمراالدي

بحادث عاجت كاراس كا تام بيتي خاركب كدفنا بده بي جي جي متي مارك ف استان كر عاد السيصال الرئ أمني كالراس كالدويادي اس معلى من الدور Midwenson كيد برك وبلت بي كري الريد سنوي عندالله عيد كاللبل جراموكيا . ي

غد الماسي و بحادث من سه دوف وي ياست بي غرار الما موسان Neumi divisió ع كي ميش كتاب أوميها المهد وكرمين المايد. ه حبيدي بهاديما وصورت منرلي والشافة طيرة مويرك إست مي بإن الأبا

معزت ابدایم ای دان ال ماید که در می معزت اسین می مفیدمان دا" ک

ذارت تكديد كا ذان سه معزت صين مفرر خه دراف كار " وسعاما بي إلى المسائل المارس والدوات كان لدركي الزراق إلى".

المن الم المام المام المام المن الله المعتمد المام الم مغرمت صين ين مغرد نے بزياني . ات الهاجي إلى الله إلى كالموادي في أو الما يما في المعالية

الدارم مديد الما معدد الماري ا عرف بالاداره د ما الماره د المار من المار i feeder Long to Walnut a Leidon مردة ورد ورد و المال المالي عالم ورد ورد المالية

himborrow buy Lize who as at الإساسارة إصباس شامي دكيا وكواست الآلاراكيد ومرسكة والأ ك لهد كه دير اين كي العرود المدائد عديد الموكدا بي والكي . しいしんくいししいかりしい

124000 مزايل واحترث خفز طبراستهم فخصرا صفاعت مرست مافق وجث كالعازت جاكا 10/19/2018/2020 دالیا می شفوت کاران کا حبت می میاه مادمی تنافی کسواه می کنی والمراوي والمراب ووالماري والمعاري والماري والماري والمرادي

بالحنىالو فامرى باكترك The offer on the order of the boyer are

ول ميددوم عدامون مايت ك يدول الني لي فالكري ك م وود ين بعد يست من ألك ف الشاسا ها منوب من إبعد يما استقال قدم إلى مياس ي الراي كرود ما نامون. معنوشه بالبيرخاص دحزالية علي دست ك ما ين سمدجي مرين اصال مي جنابريك المناب شاك المن من المن مع أم مثل كما الدام المان ك وقاعت إل عي ج ال حنزت الإبنى دوباءى وممة الشعلير ومنكساتها مت سكبادست مي ومرمدك لاي جاديث الإن في الماكية ون درياي الصيد المراجات بالمراكد

مودن تل كالدرس إلى يما ين شاراس وتت مرسه ول عن طال آيا اور ع الفاطأ عصامتریاک العاضے آنمائے دراس كالعرب أو مناف وي العاشية في المطرر وكام الم مي ب . معزے معان فری دعوا نڈ طبر کہ إرسه ش بار کیا گیا ہے کراحش نے بالی ن عائيدان كالمداور بدار كالداري وي وريا عداد كال كاد فاعه ومال استفاد مدا كالم المدائد المد ميد على المديدة صرت هل دعة الأطبر شايميد من معيدي بالشف تكديد هادت كارق أكترن مزت المحدود بالمدايرة في الدويا قام مادرالمان تشركه إلد الديال

م التي الوقيل الي ك

خاكره ملى الدُّه عديد والراحب للذائدة حريات ألاك من جرياه بيا جرقي المشك

ميد ديد مي جوش الماني مية اللهريف كم الأوج ميد عاد كالماده والمت قان كرجم يراونه おんしゃけいがとかんこいかはいいいかの

رَمِينِ وأَمَانِ النَّائِ عِنْ اللَّهِ عَلَى مَا يُواَسِكُ تِينَ منزت ماقم مواس اكب دريل في اي ا

فران حب اس كادت كأب قراك فاجرى ومؤكرتا جرب اور وومرا إعنى كام إن ومو الأسك الديافي ومؤلَّم بسك مير سيدسيدي أمَّا جال توسعيد مام ك ساعداد البعد دوانى الدوك مديان مقام حويدا بالي طيداد ال رکشتا بدار داین واین میانب جنت اعدایش مانب دوزگ کرد مکت برق ، قدم میآ ویکژ Popular or underthe action have to

اقد المري فردك كالقادر وم الركسان بروايد ! الثاني المصنة الحاليث مريدان كالان مات مي ولديو ركمات كالحكم والبنت كا Name to Now have land to the water con Van porton

مامان استامت مي فوديت مندك الكادم كزت نادي يشتق هـ. رمال الشعل الدوائد والمهار والمارة فازمري أنفرار كالمستثمر يكاثل بستاراي المطب يدكوري قام داحق تكذي بي - اس يند الى استثمت كالخرب لذب ومل الدُّ على المرملية والمركوب مراق عيد عا إلى الدر عام وب عي الزيم الديك كالتركون كالب عدالا كوراك اوراى ووج مي سنو الموار وكالمن ول عدم يولدون كروري دوري دوري مرك معم ي ادرية ومات ي ال will and control with a dit Little to مرسانندے مائزی امرازن ڈائوب کراپ کی اندان ادریش صلت پائڈ مركني عداك كاخشا في او والحالي أنب كراين فين قرعت إلى وري بشماء بالزائب تند لادر المسائل والما والمان على المان عاد من مى كو كالما مود عرف عدا تاري التارك ال شاوات كالعاسن مرساس عجد النافائل كالكروايي ماكر في وجاك تدي وداره و وال و وان الى كا استعرب الهاهم اليا الاست كريمت ويا عن مای چی دون کارتداری ایداریت ای تیم براد بری مرت تسی بان منا وال

بعدد إن من وعد والى الدة حنوات والمفاطر والم ميدوي والموافري こいいいからいいことりにないなどででいれたのですると ترجي داحت مياد و المناآب كى مرقاد مواق دارس برقى . تاديم الأقال كى مواين كو يلت ماك ك بان ناوي يدي الراك ك ول باوين ، والحري والاين ال أب الاثيم عالمت كذار في جدّ ما وكاس أب أن المحدول طناك فالديمة ال المر على من مناه مان كوت ورات المرام بالنان بالدي المراد كروا هجرة واقوم نے تشین مبلت رأی داکام میران کمادر جاری با نسیاوٹ آوا ق

المدارف الماجا كرا منا جراس فالموازين برجب ووصوت وفيينان عالم or deinginistyma de jawelfre Linguage were by the training the training to التكالات الإن كالمان والمان المان البارات المان المان

عدى إن المراصوت منوات ولا

ود فيدت كالشرو شرف الماست كالذبي والاس على كاد و م الكارك الماست ان ميرم بند كا والتصديق كمذبان سع فرات. اعلى العرب كا التركي كرواوي كالموت قاده ويؤادر كالماري في على المراد ويادي في المراد المارة Wirely will come منزت فی میں اندائیہ نے ایک دن فدارت کی میں سیری داخل ہے کے

لي دروان محمدة ك لان محدول مي ألا تاك. اسداد کی اقرابی طبات رکت برادراس کری ساقد بارس کریں Sist & 2 Would exapted example 1 من على المدين المان الد المكن الله المسائدة المدين المريدة من المريدة من المريدة

1日になっていいれんないのがときなり المستعلق من من من من الموت الماسية

حنوبت الإحراض حنوت مبنيا فبالمان من الشعلي سندعون كما كري نے ابتداد مي مغرب الوطان كا عبر من آنه كه احداس بركير وصرقاع را عور سعاري الله كا والدي الدي الدي الدي المراجب والمراك و عناس بال كالم Sign Delegan a middle green freget bede Cation - singual sty : 1 & F doll to Some

احوال شاوزا أراسته وزغرا فهاسيف وتشزل كامهت اختياد مذكره بحراس وقت warmen and the hand it is the or sygnife Seally with receipt you have de to the in はいかとり、これからないというとのはないかられば witness was

بالمريكة بي كريول كان عصر بمكي الدكان عندي الرق كان with yeld the of gety makey fulgery entrolly Willed pulledine and

والإولان المرابع المرا اس دنت بألف غاً فالإدان -لا غياد و و من كري المساحة الماري من الماري الماري الدين

سرل س ب مباخ تری مدان شیردندی، * في مادة دوجه مي يان 6 8 لا 10 دومثر ميكوب فا و كادت اكسة والمراع المراع المراء والمراج المراع المراء على المراء منرت سمل بن منداند لترس دارد مليد يرفادن دين في . وه زياد مير حكم شد

تعرب الالادات أما الدواتدات وبالرجرات ادرب الالاماكية ال يروي وي دين الدين بيان. مزروسين بيامفدمان دوزان طبرن البطائب برمادس مكاث ثاذ (ن کر کوئی درگاں نے دیویا اس درم کال سکتے ہے ۔

صين بي المدملان في زيال بر تام دی درا منت تماری مالت کا جدوی بے ادر الله تمال میدوست ابلیہ يرين كامنين تام مي ويدان ورد كار كركاب ادر ودامت.

الميروك والت وركون موت والون سرى رعوال مليك المقادي 128/10 3 123 Color 1 6 13 2 com 160, 0230 ي الكامري من و وكت ي مني ست.

مزر بند بعداد دروال طبريب وشعام كات م بمليدي مي جلاك - Wind with 1300 / 100 اً إلى السائب والصادر كورم كذا إلى ال في ساكي أوال المدار بكوال

ي أدوه بري بي من كابتاري انتيار كساس مرتبه برمنيا به اب يعال المحان بدكرا تكاس الروسة ومستدور وارجو والدي منرت ميان ويسبرك ري الأخل من فريت بين كريك وممدت المحافري

دب ميدي سائين ي و كاجربت ما دت الارتقى الى عدت كا فادك عت بر بالین برکارے الک مادا کرا ہا کا ماہت بی کا نبرلی و برق حب دستان 2120/27/2/VILVULT VEUR COPERE

UNLingte it do a fill in the curo مفغل برته برسك اجا كام كماتي معزت ابالزانني رفأة الشاشير كاؤن مي كرشت ورميرة امركي البيون

سابت ما وك كين وتبت بال كاسرامي كريا والالاتام وعام اليار فيبيل سة أب كوملده والدائب كوم وال كثراديا في بيط كليده اس برياض مدج الدائب

orther evil wowed of infample on وقت النفس ابني الرسني موقى وطاعير النوارسة اليالي كوير حب وه فالاستعادات

مسينا المرصدان رمنى فذاتان مزرات كوناز فاستاق أت آب والأن فيص الدارسية عرفارد قارض الأنشال عدعة أدادست فرعة الفاري عن الدُّ عبد المراح

مؤت (دا استار اراد ارساد الماد المدار الماد الما مثابت فزاء خذا كاذكرون إأبسد كردن ، مومنزت فرقادق والخافش الما المدان صافت ديد وكون المذاكات والتنابي ، وين كما في موت يمان كوها الم

في كوم الله الشوار الم المساولة السنادي المركة عن ألماز من يؤموا وراساهما فركه في أندر بدائ علات كريكي وليو " مزرت يستب طيالعام بمنزت إدمت طيرامنام كاحبا أتأسك ناعاميان كا البت مي ماد المترف الدرسيد العرب في ان كان فيع مبارك إن و ان كذا كليس والم

عزرة مسين بن مفود ويدان طريكوب مدل برج العالي قرامون ش كمكر

estinantalisticisas voice Line las ادر فشق كا الميّار عيد من إلى عيد من أروسه ادر الأوكارة الدور صرت الخادسين الأطيخ والماكل مك النام مي كون وكومياكي العدا النبي بسينالي بك الى ان سەمئىت ركىزدان كاكبىلدە مادت كىلىستال كى موت لىن for a sold as a figure win good of securi

حزت فيل غاه كويتران الزون كويغه المستقع مباك كند مخزت في كان غاك ひとんこうかんのいんしゃくしんしょうくらんこうとうう Lynderman

المائے قام جی سے کمان نے جج م سے ہور مورث شیل دائڈ الڈ طنیہ سے دریا اُٹ کیا المراواة كالمؤمق ماديب بعد مزت على ألف واللاء you is the war of your de gares in life of

مري ويد والمنا وي ويد والما يد و الما يد و الم مدد كن باعدة الدولاة كالموايد ي تفات ما مل موايد. مرازكواس شرمي المدادان كون بهته و مزالي موت مسان کرد فران ال منابع م کراک باس موجد شاس ۲ وليرفيكريم المانته عبيده المرشع فالإه

10,000 2000 12123 Denie Var مزت دیکا سامسیا ایک دو و مونون کی ایک با مت کروی دے سے تے رس مِي اللهم مُبِيِّدًا إلى على على حاصية الله مي وقت بالميدون كالألاث كما يتلك يمامنين بينتوم كها مبتده في كواذ فن اوراد فن كريكا كاستريقا بتداوراك ول ميات را المال الدوري ووالا مواجها الدور دوا كالمال عديد

والمريد والماري بي الماري الماري الماري المريد المر 1 2 Land 18 29 CACTE -1 1472 Como Co ago است جا کاری می داداد دوار شد کے مام کار دست بے اوالی الأخن يت بن مد ورو سد وكان وقت الكري كار ي بنتاي ك علم كام وست من ، الأكس ك إلى الى ية جوادر بال كانتصول كاكونا عديثاً ا · ヤールイインントルークリンテン

rodustilia: جودوستا اس نے کا مومان کاسیدے جا اور جودہے اور چھنی چند ہے گانے a spiral Lugar and a color of a my my with حفرت هيل عبداستام فلمعث تكركمانا وكعاث مسينك كوكوا ممان ندايان. con Survivered Hore George

62014 - 0000 1000 (0000 6 10 1 1000 6 20 16 1000 6 20 16 1000 6 20 16 1000 6 20 16 1000 6 20 16 1000 الهدر والمار قوم كا مناف عدم من كالم منوب ! ا كا وقت الدُّ الله

とうれんしょととからいりいからいんこうとん الصائب ول لافي عدل: معورستي دام مل الدعب والمرك بالله ويديد بالمركا والا أيا تراتب في ال

Like to Voto of the will on the sund of the 127000 معزت دانا مناصب الزنائ إي الرابطة فيدكا أكب معداً ومعزت الوسيدًا ك عمیت میں دیتا تھا ۔ انہیں دوائس دروائی نے سواکرسے کے الگ

Chreston harman entito inally dely and to the halo and tide be with الاكوروك والماسة مودكرة التعامة المحالا والمريد مرت المساء

ما ف يدعد في جافراك فياك علاكا. نه به طویق جداد ای سفای سه ۱۹۵۶ . فرند ارد تا ای سفای به کریک ارد خال نے عمر ما کدام دیار در کرام

فرق بوالد على وقتر فاك والد كرن ولا مب اس كا يوى الكاماس ت كرى مات و مي قام د الما من المراس المديد الدي المراد الرك Michallow wing and who kne acon

مكان والمتاريد وقريد كابدا

نس کا علیت می فترت کروری کو جدا بود جو قابر بدر خدرت کار نے مالیک کار برای سر بسرے دیستان کر بڑا کے مرد کارا بعارم يرام كانتأيدياي بعدام بالكاس بمامي وبعدا

منزت في الإسترادي، والشيارات والمري المسيديات كما الله والذك مع إخار على كروى يرامون في المرورة والمرام المرام في المرام المرا

Source with stary to the faction こっしいいはいりといりとうといいかんこうけんか

حغرت اللج الوحيالة دوويدى وهذا ألدّ عليه كيب مريد ك تحريحت باخوارات والماس كرا المان إدر مردث كمد ومرد الراكا والمدان عديث

عدت على يكافع في وال ١٧ د قا. اب يرس واليا الميا

كالمستندني القندوميا ليستد.

they would have the interior withing employed attoudandon · Wir Diego Sine Stage to be on the من بن بيد بادل أي مبت في فات كاب اليد تن كا بدك إيدا

شار الع مي طاكل الدسية وألون مي تشيم كنها.

حزت مانا کی بخل رہ الداخير فروے ہي کو جي نے دکھيس ورافي کا در يحتاكر باواتا forto Livary continued pay do Love

معوت مانا گا بخش دعة اللُّدُعير وزائدٌ بي كراكب مرتبر ي دمستان بي موج

قدر تنات كالتوال و يكن و كالادبني معزت عدائدي ميزهار رفيا لأشال ويركي كالاه مي سعاور سابل المستنى عام أر كما وكران كر كما وكرا قدار عن المساك الكوادراس نقام

11.260/12/-1127111 ي أكل مناها والال كالرائي بيدياس والمصالي عالي عالي

She chis south in the

Lps 0,00. 0.08 Ls (2/00 3 ml 2 po dr 2 ml

در علاقبرى مدة الى كالكودي من تعديد المان كالمان

こんしょうけいけんしいりこのがかれないに

الماسداها وكالماس كاعت كالتاكرين عزيت ميلا كالكراب الكامة

عال فام كا ادع الاعمية عام كوي كا دولا ادرهام كالأوك (المروس

Charploopen Sone Link of without dig with

كي طنواسية المام من بن على مرافقة والدارة قال مذك وعازت يرايال

ك العد ودومل الله ومادم مرفق في حرت المعن الف عم وأولت

wedness to an ablace missiful atoparty ارعدود المراد البريد شكون ور والم اس بيديدًا من كري شدار فن كم عالى كوشيق يريك بين كالدين في است من الكريث كي ذات من الله عا .

معزبتا إمل معلك ومن عال مليكي طيات كمن وسافي ك القريد و كان ج

يروا بن اعالى عاق ودية كرون دك وي كرود الكال

Or deterior in a ser chouse of inducions

words いかりりんなりいかいれていってってるしん

حضرة كرم عنى الدُّ عليدوهم كا تكيب واشرست كراوفناه سيل سندائب كا خدمت مي محتقا تعذبي بي ماكيد شدا سائن دشد إلى يمكول كرايت ادرايت محاجر

دالدي معرض مامر مِها . مؤرث فِيناكوم مِن النَّرَاطِيرِه عَلِي فَاكْتِ مِن بِالنَّالِ مُعْرِضًا كَامُ فِيلَ مِنْ

مرومة المدائل عد وي الما وم الل الما الله المرادة الله

عاد ترسيد الان بالاكون كرهر ومل الأطى المدعند والمرائد ويدامنا والتري كر

فاؤالها اختزاد مومك بنخ الإنسوموان داوة الأطبيعيب مستان ا ميأكسان إفياء ين الديد و المراجع المراجع و المراجع ا يني اومسر فرنور مين تيامكيا قرامني أثب الك عرب مي الشرافي السي ودرافين وعلى الملاعلة والمادي ورائل في المراح والمارية كالماست كالزول مرتياكيا . التولي شاعيك وياليقان كالماست فرا فالت قاديكيم إليّ

وَلَى الرَّمْ يَكُ وَمِنْ الْمُ فَادِيكِ اللَّهُ اللَّهِ اللَّهُ فَا يَكُومُ مِنْ الرَّاسِ اللَّهِ اللَّهِ elitalesignies envolveningens خرم الله دکھا تو تیں کا تیں مدارات کیدنا ہا اعتبی مرسان بعد مواطعه فهار مي خصرت من المعلمة

. 2 Wight Congrigações حنرت وابهما وجرون الدطيرك إسعان بالاكاكيب كروداء وسنانان ちゃんしんしいいいいことがなれるいかのはこんなんかんこう しんしゃ といれるがないれいからなっていきんい

22122444 حفرت ين أو حبالة شنيف، حرة الذطبيك باست مي باين كيالوب كرده وفيات وضت برسادة اخلاسة مندل باين بطرا شاهده. 16.60.34.60.5.2.6.2.6.60.00

ميد برسال درين کاری مقاده صب حوایت از او او ایا اه و است دخست بر لدک و مي ان كياس مرود فقار احرن استي من مك كيد يد كما يا قداد كي الادين فارويز فا المعتسكاعاتك SIERVE PRINCESO PARLE de Ligar Colo Ser

La Asendalos danser لَا بِمِ حَالِسِ وَنَ الكِدِ فِكُرِجْسِ الدِيكِ وَكَانِي جُسُولِ عَالِي الْمُوالِي لَوْجِ اللَّهِ عي و فراي اور جانس و حال المساوت وي -

مؤرث إدابيم عيداستام من مذار في مزايل مرحبكا أقام فراست وي كيار اي فررب امالين كاسا عدر أعادا والتومزت ارام المداسام مقام ظات ي كالرج عا قرام ها تعديد والن كليغ والدول كومز عن فال كروا راى وقت からいししんかんととくかいよういこかんりとこのか がこれからいんいかんいかんいっとのいれんかん いいとはなりとないいいのははかれとしまいははかりん الادمين كاس ويسي موت مريم الميدادة مر في الكادا موت موديل これはないっているとういとというからいれていれて المستراق الم المن المراب المرابي الأولات والم يوالي المالة المالة Leine the enetto/docon estercione 20 4000 de - p. a- 4013 co Sta Lord 12 04 00 21 JOUNNEY

- ween we derbut reduction rate to مي شروب ما على بشك كه ما دنشت مي مين د مكتاب .

المارك كورود كالمراب التحريق في والمرب قب في في من كالا المنت كم الله المستالان كالمعدود مروم التدوك المراكز والا المداكل بالا م

موت والكي بمن دوالة طير كرفاب مي معدد في كرم المانة طب المركزان · Virginity & Carino by

الرامل الله بقد كون ضبت مولايده معنى فيونفل البين عاس كوايث تبند ي كناكل كايده بعداى الدكام عوم كالعمل الله والعداون الما المراعبة المراجعة عادم المنافقة المراجعة عادم المنافقة 4 LANGUARD SON PINE LANGUA aprilie . Di ale con con provis de com rendado ورك اللوديكي بدائل عندان من المان والدود والدوال المان からからこれがというこうならりからりいとうかい 44242 Francisco valle Lightier in white to our of synchong confiction はんこんかしこのはんないいしょんとしいんこうとんかいにん والله الدامام كمان من أشد عال مني الدوام كالمعام السركام وعديث بداء شدت دونل بت الدنشن د براك بياسي كركريد فاحت ومعيت الدسادت و فاست كاسيان ب والد طوك بد الذاف الالالمان والكارعة الد

ال الله و المرت ك الواس مل الا الدار على الدار الله الدار الله الدار الله الدار الله الله الله الله ده بدين قال بديدك و مي الله كعوالق ادوست مسعوق ك شابست بي جلدان وي فن والان الدخريين في الانت الاعلامين الانتهام الله والانتها production Land Land the after of الدورور من كالما بيد عد إلا أطاف و كالدوا والما الدالية منزت من بن مبالدُ توى واللَّال بي مدافع الدست بالمراح قاد . روز دوار تصادر مي ون و تياست واست مرفال اس ون في مدد وارت وكال ال اس الميت الكان الماري ف بان كان جري وق وويده بيا بوسف ان ك بيان كانت ي مادل شا ادر شام كاس اعزاء في دوه عزيا عب دو وفيات رضت جدارً

وولاحص

2200000

و کھنے ای بیسے کھ کا بات کے اور و بھی ای اور انس کے میٹ ہے ہے کہ وہ جو گ

مزرسل بي مبالدُّترواك إسدى رجي بإن بالبشاري مبالدُ chi 2 wife toping our and with in fresh to

معرمت مبنيه ابنادى والشان الذعب كديان أكب القراب شداس ست إجهالكان

ر المراقع الم

من التناسك عن الأيطارة الإيرانية عيام الميانية عيام الميانية الميانية الميانية الميانية الميانية الميانية المي الإيرانية الإيرانية الإيرانية الميانية الميانية الميانية الميانية الميانية الميانية الإيرانية الميانية الميانية الإيرانية الميانية الم

به الأمراع المراقي. من عرف المراقع يشتر المراقع ا يمانع المراقع ا والمراقع المراقع الم

.86

ارب برگزایی این واصفه به برگزایی شاکندی محقود ادارای میرود برای طرف برگزاییده آن به مدکسه داداری این به محقود با میرود برای میرود برای ساید به دارد برای ساید برای ساید به این میرود با میرود برای ساید به داوارید برای این میرود برای میرود برای این میرود این میرود برای میرود برای ساید این میرود برای این میرود به میرود این میرود برای میرود برای میرود برای میرود این میرود این میرود این میرود برای میرود برای میرود این میرود این میرود این میرود این میرود برای میرود این می

الدوگان الدوگان به موان آدامی فرق برداشت بازی کن . مورش دارش امان اکرد از دارش هر ساز با موسان کنند وزدات واد مدیکرد و گان ادر دوران کسیس مومی در دارش بردی و موان بدارش و موان کارس ، آق مشترت دانبویت کیدو برداشت و زندگان به موان ساز مومی کارش ، آق

منجت دادب

در این به با به این این به ا مه با خاص المداحة المساورة ال

ان الله ميدا موسك يك يلويك بها و تيرس كراسته ان انتاب عديد المراد م هن بابت مهدي . موت الكدين ويارا الله الله من الحديث الله موت مؤوان عوي الله

تناصف وی سام مرواحی میانی اساحی کوده ندهمی وی ها در میخواند تر اسی بدان میراس کا محب سه بر محرکداس کا محب تر بر مواجد انگیاسی خاط دکتر ۲ خواند کرد خدان دکانات را فقالت خدا

برے میان کا اصلات دیونگی توا ! اوگان شاہ جار اس نتام بھرا ہے نے احا میں میں انتقاز اپنے دورے میان کے کے کیاں و ما انتقاز بر اس کے المیان وا * چاہدے کے ابوائی کا واقع کا اس کا کا ادامہ و دست بھرے کو چاہ کا کا ڈسٹی کہ یا جھراپ میں کا انسان کر دیائے ہیں ہے (ان کی با اُنسان کی بائی کا کا ورسے

در از اراز برخ با بداره اراد سایده با خوان ما بیشنده با چار است میشند. ادر در اراد که این در که در به با که صورت با از این سند و کیا کردگان که به ادر تصدیر کارشد نیز ادر که در بیشن با که صورت می در با این این میشند با بدارد است از میشند کم با در این میشند مراد اراد با این کم بیشن مدان کند در به میکند میزان را اما کار دو نیز بری حالات

که شده اولیک میضوان کنند مرویه کاست این دادهای دولی می است میادی ای شده این که توکید می آیا رسید میشود شده با این سده می برای بخود به در متن دولی دیون نیز بالای برای که داری میان که میشود شده با این که میان ایسان می شده این که میشود می امروی به میان میشود شده میشود می این میشود شده میشود که میشود میشود شده میشود شده

نے واکد اگر بنا کردن کردن کردن کے در ماحت مرتب باس کا گورش شدیشان کا انتخاب کا می افزون شدیشان کا انتخاب کا ان ما و از طرح کسرستی، را آب اس کا می ایر ایران کا فرون کا انتخاب کا ایران کا را آب کا انتخاب کا ایران کا در کشد ا ما در ایران کا در ایران کا در ایران کا در ایران کا انتخاب کا ایران کا در ایران کاد کاد در ایران کا در ایران کاد در ایران کاد کاد در ایران کاد

المارها كالمارات المرادع بالموسان بالموادية من المدينة الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية ا على يرتور بين بالموادية المرادية الموادية ال

المراجعة ال

لم كوري المريد و مري مال كوجرا بالمكرام المريد المر

ئے صرّت ملان رمن الدُّ حدّے تھا بیٹ کی کریے فشارے مبالیٰ انجاد خفاری نہ وال میں كإكارك جي للاندات كاموت بيعون المان يؤالدُ قالُ مزيدُ كاكل لك ئے ہوا۔ دبیا کا کا ایا گیا ہ صورت الجدارے کی اسے میانی انسی و بابسے کرتم میرے

والعامل ويريد والماكاد كالمات والمات موت الإنشاف ال ما فقت مي ما لا كما كالماجب مات بال وكار اسباله

الدرستاون حب حزت الإلد باراتا وخ ق مين مانوح سارة في كام المارات تربي المراب والماكاة والاستادات والماكاة والتاسا

حزت دا ماب دواله عد دون مي دويسادا وي محد دان مي دوا الكالم المال المالية ا chilly som atter - poor with عب الله و دارك كر رك في المحارات ودارا فال محار المال 12 160 C = 13 / 1/ (d , t , 1 / d) = 1 - 4 1 2 3 6 a d i الد الأكان ول بضول مدواه و من إلا أو ما أو مداري ول كالواحث ي المصاف والمراد ورواى المرادوات على المرادة في والمراد والمراد ما كالات درك دريد الدائد مريد المريد بي عند الدور

ين الإ الموادى بن قالب الذي والمستة جي أدي الميد من موت يني بالباثث كالمياثلة يروخ وشايان الانسيادة وورسايا كالجاجا تداره اس وقت مري ما دادا تدم شائل ادري اليالاس يستم شاع ولاست يواسدك التوحشت فتاجع تفكن ست في لدر هر وهنت ومثلث ادعاية عديد براك تا مرت ول يمان عد ظات دارة العدم بدا جامر الماري الماري الماري ووالى عداد الميسان ووالى ووران ورا المار والماري ووالى ここれの人にいいなるといいいいでこころいとのなっているこ 「かっしいいとは、いいからしいかんかりのかんとう Ligar at it is out startant of the مراف مي منوز الن كرد يكو ما أن من من يك منت يرمي مثلا ادرب م مودكا استان کردیک می ما و هی اس بے است واقعت میں مکابیت امریتات (大学などしないはいできないで、かといるこれにおけって عين. رب الوت ال عد الدمزوج المصالي وي على المانون de Humanitorandor it de de des mentes

مرسد الديم الماديد ويدارين أن الأوير سان عامدت كا للداخل لے سامت کھیا۔ مرف کے دوائی اسے اٹنے کے اجازت ویک وي والدائم في يوارك المدارك والدين والإدارة المراجع المراجع ي استصابد اطول شامري مالت براكب شورهما. 60201-1781 التدميري أكل غراك فابرويك فأ

معزے بایزوبھاک رحمۃ الشعلیہ سے دلکاں شے بے جہا آپ میرے ، جٹ کہ آئ لاه قريد كرت في اعزل شاويلة وأحون الرجوكان بالرح كالراح وكالأكري اقتادا سيستعاجا スカントのはっちゃのからなないはいないべんいいらんしいか

لكيدا من كا توايد كاب رفاق بيث مورف مد بها بها ب

حمزت داوله فائل وحدالله طير كا دا شربت كراكيد ون احراب في وواكمان . مربلال سفَّ وين كما متوازل وير مكان سكاحن عن عطية تأكر دواكا الرجر البياسة

ويا على على من من الرياس ك ون الراسة إلى الدارية كالعربية المركون الماك

سونے کے آواب

حنرت مينه فبذادى دحمة الأرطيرك مزت على مي سول الديد أكب خل كلنا أبَّ with the delivery to profession ب الاست يما ماين موت منه لبناد كاف الاس والريادي بيا تعالمة ي بارا ماطري أور تيدس تكافئ الم يوضل . مزت في دودان طيب إرساني بإن كالباب / ومرات لكسك ولا عن الرك مل يق من من عدال و دوار عن الراي الكون

4,40 منزيت دفاكما حب الزنائ في الرمي في زال كديكا أوجب ودونا فن ك الدائل سيدة والموات والروات ويدائل الديموندي كروك كرور واليوسان . シャクシ といびかいいにかからしん

أكب بزرك اكب اليص المام ك إلى السلة بيوش وعرفت أدرانس كاردونت メリンニットリッとがいるとんとといいいいい achtedos of interior من يو اول مرسوم من دويدك شدة المام مذك المدينة میں مرما المدیث اس دیال نے مصلے کیا اسرکوری مرد کا ادر کا بر مرابان Lever Bentefore Undlingend Sychor しゅうしゃいしんかん きんだんしょうりんりょう

حزت فجل دائدة الدعيرية ما قدب كرده كب مرتب سزر ببلد لبذاوي الكبلس

المراجع في الدو والمال ولي الدين الله المن الماسية ف والماسد المرا الرائدي مرادي سدة براغد مكرب و كالدواك يدنيان بعد الرفعاري واحق مني بعدة و خدا من كوركوا الراس المراس ال Surger in Bay of be and ing out in المساول على المساول ا

ی شدهای ... معنوشه ایر کاوموشی داند از طبیع به دیگانبر می مغرب داک ساحب!» کے سابق تحد انتخابی بالا یوه اشان شئے سان شدہ اولاں سنے دیافت کیا کیائیا کو كيد موانده المرافق والمرافق والمدافق والمدافق والمدافق والمدافق والمائل والمدافق والمدافق والمدافق والمدافق و المرافق والمدافق وا والمدافق و ولا يدافع والمدافق والم

. حزت دانن مون روز الشطاري كيد دني قد الدُقال خدا سع جا

گابذاند اکست بازی فقت سے افزوں تھڑوں سے مواز و ایا میشون انسان میشون انسان میگی شده سے واقع میں میشون کر انداز کہ افزار تھا اس سے انسان کی اور انداز میشون کے انداز میشون کی اور انداز میشون ک کے میکون کہ اور جائز کر انداز کی خاص کا دولیاں میشون کی اور انداز کی میشون کی بدر شدہ انداز کا میشون کی بدر شدہ کے سائل کے انداز انداز کے عمرے انداز کی اور انداز کی میشون کے انداز کا میشون کی بدر شدہ کا میشون کی بدر شدہ ک

حویرے کیا تی معاول میں اُٹر کیا کہ اُٹر کیا گئے۔ واقع کی سکندہ والی کستا ہے۔ اُس سے کہا گئے ہیں جا بیٹ رائ سال مانا ہے اگر والی ہے کہا اصار سے انگا جرید شرق طوع آئیسے کو میں اپنے اُٹسٹال فوم ٹی مناسب ماکموں ترم کھی دوگ وہ مجارات جانب سے بھاکا اور وہ میں کا خود کا معدم کا

مرت دانسانسید (واقع بی کویساله انسان دارای که میکا از جهاب سند اقالان واد استراکه میشود و اطاقه بیدار ایران واقع بیدار ایران بیدار ایران بیدار بیدار دارای داد استراکه بیدار را برای برای بیدار بیدار ایران میکان بیدار ایران بیدار بیدار ایران میکان بیدارای میکان بیدارای میکان بیدارای میکاند بیدار ایران میکان که در در دیگار بیدار ایران میکان که در در دیگار بیدار ایران که در دیگار بیدار ایران که دیگار بیدار ایران که دیگار بیدار ایران که داران که در دیگار بیدار ایران که دیگار بیدار که دیگار بیدار ایران که دیگار بیدار که دیگار بیدار که دیگار بیدار که دیگار که

لکار کرنے او مجرو دہیت کے آواب مدینے میں ہے کرمیڈی فرق شائل من شامیر کافیم

دوسته و الاستهاد المساق المساق المساق المهام المها

مجافلان كالرست وثياتن إحرابا بني إجها كيسه حرايا ال فيلاي اب مادت مي إلى بيفائه عد فان بالمان إلى ف عد ما فرجة ميل حب مي المنه بالبراء في وون بيان كالماج دوين وين الروب مام ما يا با اليفاض بالساعاب والمولاب المستق ف و كان من مراسان

غرت الدينينا ليدن الانطار المداكب ون شايد كدام ول الدرفيون ك ニーリカルVU. モニーナ ここりと ところからりまし いたかときしんいるしんいかとからはいいっとしょ = いかんりのいいというではないないはんと あれたからならことがり中にいないないがいでは divivilace concide ent ge المامي فوت بأركا إنت في ولا ووسند ب أن في كرك مات م غالية anding とうしょうしょしんとんとののいい كالمال كالمات م ميرى والا من المركا ومن وفي الانتدام م one-horderly yelleron horacettel

2 12 ch 2 10 10 10 por 16 7 2 1 - - 1 10 10 10

حال ادُوتت

مغزيت مينيد لبشادى دعدً الدُّعليد نزاست مِي كرجلى مِي أكيب عدوليُّ كرد كيا والإسكاد معنت كرية المع سنت عرية والاعالال عد وينام القاري الدى عاك استعال المحاجر خاص بيال بشائيه ريا ويست على بعادد قريا ي بديد الرياد واليدون المان عرفان برايد الدين ال はいったいしょうがしゅうといいけんかん hour haday way says to a lost to had ماس كون الدويد وت كولال عزرت بدن البادي والتي كوي وال على دالد كالا ، اس ك يد وكال جوتول عن ادروه ا في مرادكون ألا صيبان ألولات مرعم مناجلها من عامة اعجاب والمساق ندا بادشته الاستة ميراس فخرست كيون مني ماسته است كالساء ين إن وه عجرت جال بحد وحشت وريشال لامن جرى ش اورموا سوايد كرجا

\$0108a 36 N. a. Brice 2012. a. W. مرقبات كدن ميد الله إمالان أومرياس مكرت سر تعاول ميمريان و 421 طرت اوسيد فزاؤك مغرث ا بابهم معدي كساقه وبإكان سناكي Vacing - は次からのでしまといりまったいん 4500 Sortion Sorte poder to or com 50 intia fitting warms parte and is Probagandoring in military

いんかっこうかんかんとといってあるいいいしい

المنطق بي وطناء قهرولطعت نبنادي مامپ مرتب فتراري سه ددد دول تے. نکيب ماسب قرونلس

Ly Bonda So o water phisosopher women الم المركم المالك من المرقاق المناس كالمراص المرق المراق من المرق الى الله قال القرونليديده يريت زاده كل في عديد كراكدا س الانتادي دها بيضيفين يرخلب بسعدا ن كريث الول يُراكن ، لكب وفد ماسي المسترك 2 26 00 6 South Sand Sich Chit Con Ston Na VA مِن منسان المعضى كم كعد ع بقاد؟ وإنها أس ف الص مرياه وكما أور Nellandenge the floring in all an このといいはんかんれんかんこんこれのいんこれのいる かんしんいとんいひとしてとしょうかっかいかいかん からないとりからはんかりはしんかり consider word of which with といいいしんとというからんこからとびるかり しんしとりところんとりというとういんりょうしん کام کا مثن او وائے کے اوج مشقت کے سات کی کے میال باوارے

الدوان ي افران حزت دآنا على بجريني أعدّا المدُعني كمُرَفْد وزائد بمن كم أكب سال جلل بي اللها الله المان جاجي مي في البيط مركة وهذا الله المبدك ما عدال وإل كي الدوكروكيا وتخت كالبيئ أرا تفادر أي الدونخت يرجفا ما تفا كالداري بدا فالدارة الدويد مرسورة سامى ون تات داده دوان اکسیم از کرمی سے دیکھاجی کی جراب میٹی جرفائشی۔ مصافر ہے ہوا، اول مي مرفاه من قيشا براندم كورد لا خارب ده خارجوا و برسارات دوران كاس الماداك المديك بالدارات والمدين ورت دو دوال اورمی سے مع سے دریا ف کیا قد نفروں نے واللہ یو بندہ اساء ال سے م را بد الای من بکرولایت اس سکت با بدید ادر کامتن ک ارت و مین کات حرب فراهنان وعنالة عليدك ول ين موخوه كابر موكار مفرت منذ أدوا بركوت ويداحل ف بالاكماس طوسكوال عدد وكري و اكب الدخار ال مراز دارما ده اس که دیگرنے میں معردت م مگلے ترقیرا فقودل میں بنا with your way or win the Ming and well الروية بدخوسك بالابداء فات كادام الأكارة والاراء reprily 29 18 cc. Confrage warmen 23 حفرت غراصات کے ول میں خطب اور موالی می معزت مشدح رحد الدافیہ

المؤاسة بالسبى لاشقاق يقرحون جؤا حزت فرسك وكذ تصادا

الضريب كمام اعلات الرجاب

حوت جدا الراكب وقد بارجال وماك كراب خاري مت عدارا

در کاری خان کر کان کرارے کے بیاری ماریت براہ ایک توان میں اس کا میں ماہد میں ہوتا ہوت میں اس کا ایک میں انڈا ک اسکی میں ان کی کر در قریب مرتبط میں فرجرے انڈا کر کھٹ کے گئے تاہد کہ دیا۔ واپنیٹری کارکری۔ واپنیٹری کارکری۔

در استان به المساور ا

ત્ર માર્ચિક માત્ર માર્ચિક માત્ર માત્ય માત્ર માત

از خاصه با برجارات می سازند کامی آنهای است که این این با برخاط به این این با برخاط به این این با برخاط به این ا در مورد به برخاط به این می در این به برخاط به این این به در این به بازن می اکن به این به این می این به این این در این با در این این به این می داد با در این به این

ئەرىرىن كۈسەكىدىرى. خوش العانى

حوث ادام خاص وی المنطقین کاری و دختی برای که دختی بود بسکایی خیز برای اداری کیر که سافر خاص با این بید نه دکیا که کلیدی این دانوی سند با نده کرد که درماز و به حدید برای اما قدام می انداز برای از می می داده که درخته این این این می می ا آیا داده می میشد داده کردانی می که میشود نما این میشد با کوشته کار و شده کار و شداد کار و شده کار و کمانی کار برای برای مواد این مواد درای افزان ای کار شدک ساخته بهایت برای کاروری شده که به با ایران سکوری ایمان افزان می تا میران از میران ایران میران برای افزان بیدار میران برای م مواد ایران بدر خداد دارد ایران سک برای که بهاری ایران بیدار میران برای امان به داد کردن به از میران برای میران میران بدر خداد دارد ایران سک برای میران برای

کے کے جمرہائیہ ہوں ہے۔ اواج الحاصیٰ ہدارہ جن بھٹی۔ ایک دائش دوائے ہے کہ ایک وظریع ہے دوجہ داخل اور دوائی سے دون نہ خاکی فرٹ زائے ہوئے جنہت افادا آفا کا جشرفیت کو کھرا میں آئے۔ میرین سے جا میں ترک بور

ر با روان والمواجعة في المستوان المواجعة في المستوان المستوان المستوان المستوان المستوان المستوان المستوان الم المدر المواجعة المستوان ال

صورت ابام من معدد دورانهٔ صورت دافل سند به چا هی ده انتیاده اکتاب واژه باشد به و دولا به تر واژه این من دو آن واژه کاره کامی است به به منافی کام موال سازه به به منافی کام موال س به منافی ما در این دولان منافی کامی دولان به به امان استان کامی داد. دارد و مدار موارس به بارای دولان منافی کامی داد. واژه می نیست به امان استان کام موال با کامی داد. دارد و مدار کامی داد برای در بارای دولان می داد. این موال می داد. این موال کامی داد.

مورت بو بوداده او براه مواد کاید به دوم این بهت مغوب بردیا شداد. مدرسه این کاوند توجه با طرفته این احتی شد وخد به تشاید کارگرای که و توجه بردیا آبیده این مدوم به در است این موجه بردیا بی موجه بردیا بردید به در این موجه به در این م

ان گداری، چشوان میناه آن دیا ستاریکاکند حوزت میزیندادی دی دارسود آن بر میناند به میناند با در میناند که این میناند حوز مینان حدید مینان میزین مینان میناند با در میناند با در میناند میناند در میناند استان اینان از میزاند اینان کسیستان می آگزیدستان میناند. میراند در میناند استان میزان میناند اینان میناند میناند میناند میناند میناند.

م بالدائية المساولة والمائية المساولة المهام المائية المساولة المهام المساولة المهام المساولة المهام المساولة المساولة

the perton en de le groundories

على الله و الماري من الماري و الماري المارة المارة المارية والمارية

ر المساعد من المساعد في المساعد المسا

جاد برا کارندگا که را استرامی اس کاملا کے متابا اور شدست بر کارون کے بندا اور چاہدت و برب این برای اوا احداث میں جواج آزا کانو آرسی کے مسید مدت برای اداری برای میں کے ایک انداز میں ایک انداز دیاتی اور برای دیاتی اس مورت برای کارون کی کارون کے مدال کے انداز میں کارون کے اور میں کارون کارون کے اور میں کارون کارون کے اور میں ک فراوند تی این کارون کی کارون کارون کے ایک کارون والی جانیک میں کارون کی کارون

ہے کر جنگل سے پہاست اوٹوں کا کا کی سکان سے انسٹ اور سائل کے دائی سے افراق سے باق میں ہاہ میں نے بہا کرتی دن سے رہے اور سے جنگی افواک کے میکا درشدہ کی سور سے میں مواق میں آئا ہے ، اس توام سے میں اکا کا طوع کا باو میں میں کا انداز ہے ہے ہے ہیں ہے سے کہا گیا آجہ کے اور انداز کا کا اور میال کرانے کا کا اور میال کا اور انداز کا کی اور انداز کا کہا کہ اور انداز کی کرانے والے کہا ہے اور کے انداز کے انداز کے انداز کے انداز کے انداز کی انداز کے انداز کی کرانے کا دار

صوب الأحداثية وفي المال من واقد كالموسان من كو كل الله التاثير من من من وقد المدارات كالمالات الله والموسان المالات المدارات المدارات المدارات المدارات المدارات المدارات الم والموالات المدارات والمدارات المدارات ا والمدارات المدارات ا

ان رایج ماد صورتان است (دارید کند. ویده کاهل شون را دادید ایران ایران به نیاز آراد کام بادار در کام واز که کاد در این مادید می سازند باد کاهل ایران که کام خاص بادار کام واز به می در بازی کنام بر نیست ایران که در ایران کام کام خاص باداری ایران در نیست رای از نیست باداری ایران که در ایران کام در ایران کام در ایران کام در ایران کند کام در کام در

منرت بالارث والأشيرزان برادي ماع البستاني ما الي Adatoplace se on the death age でんかいかんかいんいいいいんしんしん くいいいとった いかいこうとくなかれんけいいんいんしんがん ال كاستان قا س نام يا و تدوق كالدات زيد رفيا و د كالرامان ووكم غرستان يرائ الات وي العالمين على الدوش الل マールいんといこしらいりんしいのうんとりかとうかん Sign of Long of Marchines a star & Long My 上りいとこうがはこれのころとはいけかかり ことがいいといくといいかいかいしいいというながなり عادل ديد عدد عدى جائد بنريان الدوساكان مودول جان

المالى بارداد باب معزت الالاث واقع ياران كالبدم على اكب دن مفرت ميد بحرت لري ميري الدمورت الوالديس ي مطا ولا الأطبر على على على الله على المال على المال على المال للدمون من المدومات سه عالى الموت بين عالما الم فلاستنسب يماس مان سع كم مشاقي من تديية الد الدائل الدول إنها de dument duting 2 to he to factor for

عداب ين كان يدب كاب ر عديد بالمان المان ال

في والمديد وريد و والموسية من والدائمة

24,00 20 10 2 44 - 11 SUST 12 -10. UT Soldier

gerat vere

Blow Son Jan Jan en Sto Stander with a demonstration as the face the pro これといけれてアントーのことというかんといるとんない Swing wading the desing in the comme عيدول والديد والمريد المايولان والأخر كالمدموم

in the second of the second of the 12 horaning the herbely later with de working your commenter مِرْ وَقُ اللَّهِ مِنْ مَرْت اللَّهِ فَاللَّهُ فِي اللَّهِ وَاللَّهُ فِي يَرْطُمُ وَاللَّهُ فِيلُونَ يست شريدا والوراء الم وهدى وال بين بريد يراده وسين عالا للمان يرتئزوان ومخري المنطرة م المالان ومش دين عديه بيدم مي وي Dozine & M. K. Consension will be wing of مزت دالمامت ورق مراس فالدا المان كياش من كيساني كاديك م أرى كاري وارام الله ادر سفر يوس كراه وفر إوكر را تعاسد خداى مرسن دادن باد ورس بداري مرسه دل بي تري ي كل دي ري ي しいではいいいことのいっというかとんどういいと

يعلقه والمراجع والمراجع والمام والمام والمام والمام يمن باي مي إل عليه المده ذكي يكن مريا لدمي قراج المال ميك را أل いーひこんとんしんしゅうこんこんがん صديق ان في ركار مي الساكم واكور كم عرب على الأرشارة ادر She la sixte نين ايك اجزا اديرة الميزسندان ك رمت ين بشوارة ك مدارة مامل ك رج ين -إلى ال

كمري او بعرافيا في والقائق لام في ايك في المازيها ياكستان كيريس سال

(U. ETE, ME Giral) يسعد برا، قسادار فائع برالى بن آب اس مدى كم تاريخ سافوق كال ك دا تعات ترفيا لاحظافر این کے۔ اس طرح بارہ اقساط میں پورے تیسس مال کے واقعات مان مکیں گئے۔ بیسیرت انگیز

ملدات كا فرمت ي زا بمسين المريق كرب بي : مطينوعنات شيخ عندا عاد



الع ، عبدائدم خالد ٥٠٠ شاونيسل شهد ايرابعطاز بر تنورجه ٥٦٠ فوايشيا Luzithin

ستدخنهر حميزى 2012/10025 content of the 1 des 20 6600.00 عبدالكرم خالد الا عاماول 140 UZUB. 17 -

and all ۲۶ و پاکستان اورتیسری وُشا عبدالرحش طارق ١٧٧ - منزل مفق دي. لينك رست الله الم ليك وحددو متازمفتي

عم . سي آلي ليها و بواموي كا جال تي سيدة المان هستا ra . كوي في اورم موى لا جال زيره سيعت الديده Fals. 19 مر میعت الدین مشار . ٥ - سيول كي وادى عاممرممال

in the ا مروامزین عالم عندی سايم اغتر سليراطنز ٥٠٠ ورويس كاتبطال سيواعثر مره و شادی جنس او جنوات

50001104.00 سليم اختر وه - كيات أير وعدال ٥٠٠ كيات كير صدون عذيونويهمتريك ه و . كايات اكبر دمد مين عديونس مسترف ١٥- وقا ك توسطيم (الدي) dingi

der sin . به تیلین انساب رحمت قال) division او - مليغي أنساب وعدودم: distribution وه - تبليع فصاب وسعة موم) ١٠ - فرية كالن دجال لانظ وصداول عاجري ال · (() المرك المحدود الله المراز ومتديد) . . .

دو - مرب على د جال لاستار و مدين ۲۷ - دوکشی معلومات يونس اومي

which with was Bulkery . P فارد تصليعت وكالوعث ١٠ القلايت عالم 50460 N. 1 Will who

There will not the will a و . ودست بنوه ودست شاؤ لسراروسوى اعميد religion. ۸ . صندل کا آگ دادن إونساديب 9 - والى يفوط ك تعاقب من وسلوم الهااف ها . عذب کنورکل، ارمقای حل ركين علىماقيان

تاض عبدالعَقَار 11-11-11-11 آغائين STOULL. IN اغتياراسد (Joe 15 15 15 17 17 (102) CUPLES. 18 عرميت القد de-151-19

زور الموازنيدى ه و مخذ على سائك عنوراً ونرماون ١١ - زندل سے فائدہ افغانے ١٩ ترجرا كال المهدرينوي Below, And de يولم يهاديب viences is n الاحتيان شاقد

الواجد الأواملام ۲۶- نوت لاطفر ۲۲- مجرب شاری دُهاش ray it wish دين المناعدة احداث المراجد القراستام المرين الاعلام العدام challe and الماعة الأراماع me plater 166 LUZ-10 3. 10 Bridewick Claim موسى تواجعته است com (5)16 50 2015. v.

e- hiridian متبول جهالكمر أدنراوي الزاونس عبترت ١٠٠٠ ويني كما تبال

مطبوعات شعخ غلام على أدبي اركيث بركسا، في الابور



